

کردن مبداء ارتقاء رتبه به اجرای قانون استخدام چقدر برای مستخدمین بهر است تالیف که ما مبداء را اول ورود بخدمت بدانیم .

اما راجع به قسمت حداقل . اولاً این نکته را عرض کنم اگر ما گفتیم یا بنده عرض کردم که وزارت مالیه در تطبیق این قانون اشتباه کرده است تصور حمله نکنند من نقطه نظر من حمله نیست .

ماده هفده این قانون تصریح دارد بر اینکه در سال اول خدمت در هر رتبه حداقل مقرری آن رتبه داده میشود .

در سنه اول در وزارت مالیه این ماده ابدأ رعایت نشده و مطابق بودجه هم که به کمیسیون بودجه فرستاده اند پیدا بود که ابدأ رعایت نشده است به علاوه این ماده یک قید دیگری هم دارد که هنوز مورد توجه هیچ یک از آقایان اعضاء دولت واقع نشده است و آن این است که تفاوتی که در این ذکر کرده است این تفاوت برای مدت استخدام است در آن رتبه است یعنی تفاوت حقوق حداقل و اکثر نجات پنج تومان است و این مبلغ باید در ظرف سه سال علاوه شود نه در ظرف همان سال اول یا هر وقت که وزیر میل کرد زیرا می نویسد :

در سال اول خدمت در هر رتبه حداقل مقرری آن رتبه داده می شود و تفاوت بین حد اقل و اکثر که از سال دوم خدمت در یک رتبه ممکن است داده شود تا آخر مدت در آن رتبه نباید از یک ششم مقرری همان رتبه تجاوز نماید .

در سنه گذشته وزارت مالیه حداکثر را که داده سهل است بلکه تمام حداکثر را هم داده .

مشوال کردیم که بچه علت جواب دادند که ما خواستیم قانون را در قسمت مرکز تطبیق کنیم .

آمدیم از نقطه نظر حقوق اشخاص تطبیق کردیم یعنی دیدیم یک شخصی دو بست تومان حقوق دارد و شغل او ماد معاونت ادار میشود .

چون معاون اداره حداکثر حقوقش یک ماه و نود و یک تومان است آن وقت نه تومان از حقوقش کسر کردیم و رعایت قانون را کردیم و بعداً کسر حقوقش را به او دادیم موقعی که شغلش را تطبیق می کردند بر آن رتبه قانونی بر فرض هم که معاون اداره باشد .

مطابق این قانون باید صدو شصت و چهار تومان حقوق بگیرد آن وقت این جا آمدیم صد و نود و یک تومان داده اند این است که حالا کسر کرده اند و کمیسیون بودجه معتقد شد که بایست حداقل را بدهند .

اولاً بدانند که این موضوع در جلسه

۲۱ کمیسیون بودجه که در تاریخ هشتم جوزا منعقد شد و این قضیه مطرح و رأی داده شد در آن تاریخ همه آقایان میدانند که قریب یک میلیون بلکه متجاوز کسر بودجه داشتیم و هیچ محلی هم از برایش نداشتیم آن وقت به ایشطور خلاف تعبیر های قانونی هم دچار شدیم یعنی در یک وزارت خانه حداکثر می دادند و یک وزارت خانه دیگر داد میزد که من از نقطه نظر اینکه پول ندارم نمی توانم قانون استخدام را اجرا کنم .

این بود که کمیسیون بودجه از نقطه نظر جبران آن کسر و از نقطه نظر اینکه این اشخاص که این اضافات را گرفته اند .

این راهم به آقایان عرض کنم مطابق بودجه هائی که ما دیدیم وزارت عدلیه در سنه گذشته حداقل داده است و هم چنین اغلب وزارت خانه ها هم حداقل داده اند فقط وزارت مالیه بوده است که حداکثر داده است آنهم نه از نقطه نظر عمد بلکه از نقطه نظر سوء تفسیر قانون بجای اینکه مشاغل را بارتب تطبیق بکنند

شیروانی - چون نزدیک بخاری هستند .

شیخ المراقین زاده - آمده اند حقوق را بارتب تطبیق کرده اند این بود که کمیسیون بودجه معتقد شد که در هده سنه حداقل داده شود و ممکن است در ظرف سال بعد آن اضافه رعایت شود چون گفته میشد که بودجه کسر دارد و از حقوق وزارت خانه ها کسرهائی کردند که خودشان هم تصدیق میکنند .

از نقطه نظر اداری برای آنها تولید اشکالاتی نموده حتی بنده خوب بخاطر دارم که در آن تاریخ یک عقیده پیدا شد که حقوق مستخدمین را از پنجاه تومان بیلا دولت تومانی دو قران و سه قران کسر کند که لااقل کسر بودجه جبران شود ولی کمیسیون بودجه از نقطه نظر اینکه بنا باشد یک کسری بشود باالسویه بشود آمد این رأی داده .

حالا بنده که یکی از موافقین هستم آنقدر اصرار ندارم که در هده سنه حداقل داده شود ولی سؤال میکنم که دولت باز همان حداکثر را خواهد پرداخت .

کدام فصلی از فصول قانون استخدام بدولت این حق را داده است که در آن مدتی که مأمور مشغول خدمت است تمام تفاوت بین حداقل و اکثر را در باره او از سال اول رعایت نمایند .

در صورتیکه در ماده دیگر تصریح دارد که اگر در سال دوم و سوم و حتی بعد از انقضاء مدت خدمتش شغل بالاتری پیدا نکرد تفاوت حداقل و اکثر در باره او منظور خواهد شد .

این ماده هم می فهماند که دولت نمیتواند از همان سال اول که میخواهد قانون را در باره مستخدم تطبیق کند تمام حداکثر را باو بدهد در خانه میخواهم عرض کنم که هیچ نقطه نظر خصوصی در این جا نیست و آقایانی هم که از این قسمت دفاع میکنند تصور کر هاند که نسبت به مستخدمین دولت یک ظلمی شده است در صورتیکه اگر یک قدری تأمل بفرمایند خواهند دید که نه تنها ظلم نشده است بلکه یک قدری رعایت حال آنها هم شده است و اگر مبداء ورود بخدمت را ما مبداء قرار میدادیم آن وقت میدیدیم که برای مستخدمین بیچاره که آن قدر برایش سنگ بسینه زده میشود چقدر تولید مشکلات میکرد و چه اشخاص باید از آن رتبه های اولی که در وزارتخانه دارند و یک روز یا دو روز قبل از میزان ۹۹ وارد خدمت شده اند کجا باید بروند و میزشان را کجا باید بگذارند و آن وقت از ته اداره چه اشخاصی باید بروند مدیر کل بشوند .

تدین - بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود .

نایب رئیس - یک پیشنهاد دیگری هم راجع بختم جلسه رسیده است قرائت می شود . (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم چون شب گذشته جلسه ختم شود . قائم مقام .

مشارعظم - بنده با ختم جلسه مخالفم .

تدین - رأی بگیریم .

نایب رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای قائم مقام آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اکثر برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد .

(در این موقع آقایان نمایندگان برای خروج از مجلس حرکت نمودند)

نایب رئیس - آقایان بفرمائید تا تکلیف جلسه بعد معلوم شود پیشنهادی راجع به تعیین جلسه بعد از طرف آقای عدل الملک رسیده قرائت میشود .

داور - خوبست بماند برای اول جلسه آتی .

نایب رئیس - چون عده کانی نیست میماند برای جلسه بعد .

(مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملک

منشی علی اقبال الممالک منشی معظم السلطان

جلسه ۹۹

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه ۲۴ جدی ۱۳۰۳ مطابق ۲۶ جمادی الثانی ۱۳۴۳

مجلس سه ربع ساعت قبل از غروب بریاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید .

صورت مجلس یوم یکشنبه ۲۹ قوس را آقای اقبال الممالک قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم .

نایب رئیس - آقای کازونی (اجازه)

کازونی - بنده هم بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم

نایب رئیس - آقای عراقی (اجازه)

حاج آقا اسمعیل عراقی - آقای قوام الدوله را جزء غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتی که ایشان سه روز است تا خوش هستند .

نایب رئیس - بعد رسیدگی میشود آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم .

نایب رئیس - آقای اعتبار الدوله (اجازه)

اعتبار الدوله - بنده هم بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم

نایب رئیس - آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک - بنده در جلسه گذشته در خانه جلسه پیشنهاد کردم جلسات را از عصر به صبح تبدیل نمایند ولی چون عده کافی نبود قرار شد در اول جلسه مطرح شود چون این مسئله در صورت مجلس نوشته نشده بود تذکره عرض کردم

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده هم بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم ولی قبل از همه اجازه خواسته بودم

نایب رئیس - در صورت مجلس فرمایشی نیست ؟

(اظهاری نشد)

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد - آقای احتشام الحکماء

(اجازه)

احتشام الحکماء - در جلسه پنجشنبه گذشته راجع به تک احترامی که نسبت به آقای شیروانی شده بود بنده تأسف خودم را بعرض مجلس رساندم آنچه فهمیدم

وز هرايض بنده سوء تفاهم شده است و در خارج همچو تصور کرده اند که بنده مرثی کرده ام شخص مرتکب مربوط به یکی از ادارات دولتی یا نظمی بوده است در صورتی که شخص مرتکب مربوط به بیج یک از ادارات نبوده شخص عادی بوده و مربوط به بیج یک از ادارات دولتی هم نبوده است .

مدرس - خلاف عرض کرده اند
نایب رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - همه آقایان محترم در نظر دارند در آن اوانی که مردم فریاد می کردند و از اوضاع استبداد شاکی بودند اول چیزی که میخواستند دیوانخانه و عدالت خانه بود و تقاضا داشتند محاکم قانونی قضائی که در حدود قانون اقدامات کند تشکیل شود و یک قضاة مقیدی در این مملکت پیدا شوند بعد از مشروطیت که قانون اساسی نوشته اند در قانون اساسی تصریح شد که قوای دولتی و حکومتی منشعب به سه شعبة شود و هر کدام از آنها سر جای خودش مستقل باشد و عبارت آخری قوه مجریه و مقننه و قضائیه که عدلیه باشد در ردیف هم هستند ولی از آنجائی که قوه قضائیه در تحت نظارت قوه مجریه واقع شده بود و قوه مجریه در قوه قضائیه یک تأثیراتی داشت و تا کنون هم دارد مخصوصاً در قسمت ولایات عدلیه آنطوری که باید نمو کنند و توسعه پیدا کند نشد تشکیل محاکم را در ولایات قوه های مجریه وقت بطوری داده اند که بالطبع تنفر مردم را فراهم ساخته است .

زیرا که بیک عده میگفتند شما بروید در ولایات قضاوت کنید و حق القضاة هر چه می توانید از مردم بگیرید و با آن گذران کنید . بدیهی است نتیجه اینطور قضاوت چه میشود .

تا اینکه در زمان وزارت عدلیه آقای سردار معظم یکی از قدمهای خوب و برجسته که برای ترقی عدلیه برداشته شد این بود که تمام عدلیه های ولایات را منحل کردند و یک محاکمی با داشتن یک حقوق های معینی در ولایات تشکیل شد و از آن بعد دیگر محکمه بی حقوق وجود ندارد .

حالا بنده نمیخواهم وارد شوم در این که نسبت سیاست خارجی عدلیه چه قدر اهمیت دارد و ما چه قدر باید بترقی عدلیه علاقه مند باشیم .

باید آن قوانینی را که عدلیه فاقد است وضع کنیم و تشکیلات آن را مرتب نمایم و همانطور که در مرکز نسبت بقضاة امتحان بعمل آمد در ولایات هم قضاة امتحان بدهند .

اینها مسائلی است که سر جای خودش گفته خواهد شد .

چیزی که باعث شد بنده آقایان را مصدع شوم این بود که با اهمیتی که عدلیه دارد و همه آقایان هم تصدیق دارم که بهتر از من مطلع هستند ابتدای تأسیس محاکم از سنه ۱۳۲۸ بوده است از آن تاریخ بعد دولت با عدلیه های ولایات طوری معامله کرده است که قوه قضائیه در این مملکت قهراً زبون شده است یعنی آن اهمیتی را که دولت بیک تحصیل دار مالیه داده است بطور حتم بنده عرض میکنم که بر رئیس استیناف یک ولایت نداده است چه از وضع و چه از حیث تجلیلات و غیره البته آقایان نمایندگان ولایات ملاحظه فرموده اند که دولت با قضاة و عدلیه های ولایات چطور معامله میکند و در شعبات قضائی ولایات دولت طوری معامله کرده است که شاید مردم خیال کنند یک نفر قاضی دودرجه سه درجه از امین مالیه بیست تراست در صورتیکه مقامش خیلی مهم تر است و طوری حکام در ولایات جلوه داده اند که همانطور که در قضاوت در امور مالیه دارند در قوه قضائی هم دارند در صورتی که اینطور نیست .

خلاصه دولت طوری برداشت کرده است این قضیه را طوری جلوه داده است که در فلان ولایت رئیس نواقل رئیس یک اداره است و رئیس محکمه ابتدائی هم رئیس یک اداره در صورتیکه رئیس یک محکمه ابتدائی از قضاة مهمتر است و مقامش خیلی مهمتر از یک رئیس نواقل یک ولایت است آن وقت این اندازه زبون شده اند که بارئیس نواقل هم درجه شده اند .

حاج ملک التجار - بواسطه احکامی است که میدهند .

یاسائی - بلی بنده هم تصدیق می کنم که در وزارت عدلیه یک نواقصی هست در وزارت معارف هم یک نواقصی است . ولی یک مرتبه دیگر بنده عرض کرده ام که اگر در معارف مایک نقصانی هست هیچ وقت نباید مامنکر معارف جدید بشویم و بر گردیم بآن مکاتب قدیمه اگر در عدلیه و محاکم قضائی ما نقصانی هست نباید معتقد شویم با اصول خود سرتانه حکام قدیم و چون وفلک و آن شل کن سفت کن ها و آن ترتیباتی سابقاً در ایالات و ولایات بوده البته باید دید نواقص عدلیه ها چیست و آنها را رفع کرد .

بنده عقیده داشتم در همدسنة با بودن نمایندگان مبرزی در مجلس شورای ملی عطف توجه کاملی با اوضاع عدلیه و معارف خواهد شد چون این دو اداره از مولدات مشروطه است .

از آثار مشروطیت فقط این دو مسئله در مملکت باقی است سایر چیز ها در دوره استبداد هم بود البته باید به عدلیه یک اهمیت مخصوصی دنده شود و تشکیلات آن را توسعه بدهند باید بودجه اش را اضافه کرد

ولی متأسفانه امسال در آخر سال دیدیم یک مرتبه هشتاد هزار تومان از بودجه عدلیه کاستند و وزارت عدلیه هم نمیدانم به چه مناسبت قبول کرد .

در نتیجه گاستن بودجه عدلیه از قراری که اطلاع پیدا کرده ام در این چند روزه حکم انحلال عدلیه های ولایات را در طی یک تلگرافی امضاء کرده و بسهولت صادر نموده اند .

انحلالی که در زمان وزارت آقای سردار معظم شد از نقطه نظر تشکیلات و تأمین حقوق قضاة بود و خوب هم بود ولی این انحلال هیچ شباهت بآن انحلال ندارد زیرا این انحلال باعث میشود که عدلیه های ولایات باین حال باقی بماند و در آتی هم نتوانند آن را اصلاح کنند .

ما امیدواریم در آتی دولت توجهی بکنند .

در سایر ممالک دولت ها که از ملت یک چیزی میگیرند با دست دیگری می دهند ولی در مملکت مادست گرفتن که شعب مالیه باشد در همه جا حتی در قراء مملکت هم هست و خیلی بسط دارد اما دست پس دادن فرضاً نظمی حقوق افرادش ماهی ۶ تومان امنیه حقوقش ۵ تومان و نیم است مثلاً قوه قضائیه در اغلب نقاط نیست صلحیه ناحیه ندارند چه برسد به صلحیه محلی از قراری که اخیراً بنده شنیده ام آقای ادیب السلطنه وزیر عدلیه بایک امضاء چندین محکمه را منحل و تبدیل بصلح نامحدود کردند .

فقط تقلید صرفی از خارجه شده است .

مثلاً شنیده اند در انگلستان محاکم صلح نامحدود درست کرده اند خیال کرده اند در مملکت ما هم مقتضی است محاکم صلح نامحدود تأسیس شود و یک نفر قاضی ابتدائی فرضاً بتواند قضایای صد هزار تومانی را حکم بدهند و قطع و فصل نماید .

واقفاً تقلید خیلی غریبی است جاهائی را که عدلیه اش منحل و تبدیل بصلح نامحدود نموده اند یکی یزد است .

البته آقایان می دانند یزد با اهمیت تجارتی که دارد بجای اینکه مخصوصاً محکمه تجارتی هم داشته باشد تازه آمده اند محکمه ابتدائی آنجا را هم منحل کرده اند و گفته اند فقط محکمه صلح نامحدود کافی است یک امین صلح در تمام یزد از نائین گرفته تا شهر بابک که زیر کمرمان است قضاوتش با آن یک نفر باشد تازه هم معلوم نیست آن یک نفر صلاحیتش محرز باشد یا نباشد دیگر از جاهائی که موقعیت سیاسی هم دارد استرآباد است آنجا از نظر سیاست خارجی فوق العاده مهم و محکمه آنجا فوق العاده لازم است دولت در سال گذشته برای تشکیل یک محکمه سیاسی

در آنجا میبایستی متضرر شدو بالاخره ماچار شد محکمه جنائی در آنجا تشکیل بدهد حالا هوش اینک به ما کم آنجا اهمیت بدهند آمده اند محکمه ابتدائی آنجا را هم منحل کردند و گفته اند صلح نامحدود باشدو قاضی آنهم کسی است که نمیدانند بنده اسمش از چه اشتقاق پیدا کرده .

دیگر از نقاطی که تبدیل کرده اند گردستان است آن هم از نقطه نظر سرحدی اهمیتش هیچ جای تردید نیست و باید محاکم قضائیش طوری باشد که بتواند بدعاوی که از داخل و خارج با آنجا مراجعه می شود رسیدگی کند .

دیگر از این نقاط زنجان است و یکی بارفروش است .

دیگر قزوین است . این پنج شش ولایت که از ابتدای تأسیس عدلیه در ولایات تا کنون محاکم ابتدائی داشته اند حالا همه را تبدیل کرده اند بصلح نامحدود و عجب تر از همه این است در بعضی که عدلیه های ولایات بودجه صلحیه نداشته هروقت عدلیه مرکز یک بودجه داشته و حقوق مرتبی بقضاة میدادند برای عدلیه قزوین هم حقوق و بودجه معین میکردند در صورتیکه سایر ولایات حقوق مرتبی نداشتند من تعجب میکنم در دوره پنجم یا بودن آقایان و کلا عدلیه سیر قهرائی بکنند و قوه قضائیه اینطور زبون و کوچک بشود در زمان کابینه وثوق الدوله محاکم استثنائی در اصفهان و بعضی از ولایات تأسیس شد که ما حالا باید یادیاوریم و از آن کابینه تخسین کنیم .

ولی حالا با بودن مجلس شورای ملی یک قوه ای را که برابری میکند با قوه مقننه و در عرض هم هستند اینطور زبون کرده اند که بدعاوی تا چهار صد تومان رسیده گی کنند .

مثل تهران و اگر درست وقت کنیم می بینیم محاکم تهران خیلی زیاد است زیرا ۸ محکمه ابتدائی چهار محکمه استثنائی یعنی دو محکمه تجارت و دو محکمه صلحیه و دو محکمه ابتدائی حقوق که هشت محکمه ابتدائی میشود و صلحیه محدود و دوازده صلحیه ناحیه و تقریباً بیست سی محکمه در طهران است وقتی که این را مقایسه می کنیم با سایر جاها می بینیم هیچ طرف مقایسه نیستند فقط دو شعبة تمیز که تعلق به تمام مملکت دارد بقیه محاکمی که در طهران است مخصوص ب خود طهران است .

خلاصه وزارت عدلیه حکم کرده است که یک قسمت از عدلیه ها منحل شود . بعلاوه در ساوه و دماوند و شهریار محاکم صلحیه را منحل و تبدیل کرده اند به صلح نامحدود و این تشکیلات را با بودن استعجاز و استطلاع از مجلس داده اند و بنظر بنده قانون استخدام کشوری تکلیف این قضیه را معلوم نکرده است یعنی نگفته

است انحلال و حذف شغل از مختصات وزیر است و بنظر بنده وزیر مسئول است. راجع باین مسائل باید از مجلس استجازه نماید. بعلاوه قبل از اینکه بودجه مملکتی تمام شود ایشان عدلیه ها را منحل کرده اند و تازه تفاوتی که از این اقدام حاصل میشود این است که در نتیجه این انحلال صد و چهل و هشت نفر از کار منفصل میشوند. در این سرسپاه زهستان بگلان قاضی یکمرتبه یک تلگرافی میرسد که عدلیه منحل است.

این بیچاره چه باید بکند در نتیجه این تلگرافات صد و چهل و هشت نفر منتظر خدمت پیدا شده اند و این منتظرین خدمت باید تمام ادوات حقوق انتظار خدمت را بگیرند و در این ۳ ماه آخر سال فقط دولت استفاده که از این کار میکند این است که ثلث حقوق قضات و مستخدمین کشوری را با آنها میدهد. بنده وقتی که حساب کردم دیدم این یک ثلث حقوق بیش از پنج الی شش هزار تومان نمیشود.

آن وقت برای این پنج شش هزار تومان آمده اند صد و چهل و هشت نفر قاضی و مستخدمین کشوری را بی کار کرده اند این چه فکری سیاستی است؟ این چه قدمی است بسوی اصلاحات؟ خواستم آقایان نمایندگان را متذکر کنم باین مسئله در صورتیکه هشتاد هزار تومان هم از بودجه عدلیه نسر شود و ما بشخصه و بیست هزار تومان رأی بهیم اگر ارض قضات را همان چهل تومان قرار بدهیم دیگر لازم نیست مدلیه های ولایات را هم منحل کنیم و آن صد و نود هزار تومانی که اختصاص داده شده است به منتظرین خدمت دیگر لازم نیست.

یک قسمت از این هم به منتظرین خدمت جدید داده شود که اسباب زحمت بیچاره ها هم فراهم بیاید و بالاخره هم نیاید اینجا زنده باد و مرده باد را ببندازند.

جمعی از نمایندگان - داخل دستور شوم.

شیروانی - بنده اخطار دارم.

نایب رئیس - بفرمائید.

شیروانی - بر حسب رأی مجلس اجازه داده شده است هر کدام از نمایندگان که حرفی دارند در اول و آخر مجلس می توانند بزنند.

نایب رئیس - این اخطار نیست مجلس می تواند وارد دستور شود.

شیروانی - حق نطق رانی شود از نماینده گرفت.

نایب رئیس - رأی میگیریم وارد دستور شوم - آقایانی که موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد ماده ۱۴ مطرح است. آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک - چون فرار شد پیشنهاد بنده مطرح شود.

نایب رئیس - رأی داده شده است داخل دستور شوم.

عدل الملک - آن هم جزو دستور است.

نایب رئیس - آقای حاج میرزا - عبدالوهاب.

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده چون حال ندارم حق نطق خودم را به آقای کازرونی واگذار میکنم.

مدیرس - سابقه ندارد.

حاج میرزا عبدالوهاب - پرریوز آقای شیروانی همین کار را کردند حق نطق خود را با آقای داوردادند.

نایب رئیس - تفریض اگر صومیت پیدا کند خیلی مشکل است بسته است به نظر مجلس آقای تین.

(اجازه)

تدین - بنده گمان میکنم این مسئله سابقه نداشته و تازه عرض اندام کرده باشد یک وقت هست آن کسی که اجازه اش را تفریض میکند شخصی است که بلافاصله بعد از او اجازه خواسته است.

مدیرس - این طبیعی است.

تدین - بلی این طبیعی است. یک وقت هست بهر کس که میخواهد تفریض میکند این ترتیب قانونی نمیشود و سابقه هم ندارد ولی در ترتیب اولی در صورتیکه کسی که بعد از او است موافقت عقیده او باشد ممکن است.

نایب رئیس - گمان میکنم اگر مجلس موافقت کند ترتیب تفریض را موقوف کنیم و همان شکل سابق رفتار شود بهتر باشد.

آقای شیخ الرئیس مخالفند؟

شاهزاده شیخ الرئیس - اگر حق می شمارید که قابل انتقال است و اگر حق نیست دیروز و پرریوز با امروز چه فرق دارد؟ تبعیض نباید بشود.

نایب رئیس - آقای عباد السلطنه مخالف هستم علت هم دارد.

ممكن است اگر اینطرز معمول شود دو مخالف دو موافق پشت سر هم حرف بزنند زیرا فرسأ آقای میرزا بنده من ختم را به آقای کازرونی واگذار کردم در صورتیکه قبل از ایشان یک مخالف حرف زده و ممکن است آقای کازرونی هم مخالف باشند بعلاوه این ترتیب هر چه مرج تولید خواهد کرد و در نظر من همه موافق است.

نایب رئیس - رأی میگیریم باین که

اگر مجلس اجازه بدهد که آقایان حقشان را به دیگری واگذار کنند. **بعضی از نمایندگان** - (با همهمه) رأی لازم نیست.

نایب رئیس - اگر غیر از این بشود ترتیب اجازه ها بعقیده من از بین میرود رأی میگیریم آقایانی که تصویب میکنند یک نفر وکیل حقش را بدیگری واگذار کند قیام فرمایند.

پس از آنکه قابل توجه شد به کمیسیون مربوطه مراجعه می شود و پس از دقت در آن رایوش بمجلس می آید و دستور میشود و بالاخره از روی بصیرت نمایندگان در آن رأی میدهند ولی قانون بودجه از این نقطه نظر مطالعات کامل نمی شود.

همه آقایان تصدیق می کنند که قانون بودجه اساسش روی جمع و خرج است. در موقع رأی دادن روح فکری و کیلوری تعادل جمع و خرج است مخصوصاً حالا دوسه ماه بیشتر با خرسال نمانده و در صورتی که روح فکر آقایان نمایندگان در موازنه جمع و خرج است.

دیگر فرصت نمیشود که در یک قانون دائمی دقت کامل کنند و این قسمت (ب) در همین موضوع یک دخلاتی دارد.

ماده شصت و شش قانون استخدام کشوری تکلیف قوه مجریه را نسبت به مستخدمین خودش معین میکند.

یکی از آقایان اینجا گفتند قطراجم بعیزان نود و نه بما قبل تعلق می گیرد درج سایر قسمت ها بما قبل تعلق نمی گیرد حالا بنده نمیخواهم در آن موضوع داخل شوم سی و دو تومان است زیرا اگر بآن رایوررت دوم کمیسیون مراجعه کنیم که فقط حذف این ماده را یعنی جزء اول را قائل می شود.

این برای بودجه امسال کافی نیست و گمان نمی کنم آقای مخبر هم اشکالی داشته باشد.

(چون آقایان می دانند سابقاً اینطرز نبود که سی و دو تومان یا چهل و دو تومان حقوق بدهند همیشه به رقم های قطعی مثلا سی تومان و چهل تومان و پنجاه تومان حقوق میبدهد اند این درجه بندی ما را وادار کرد که بگوئیم سی و دو تومان چهل و دو تومان یا پنجاه و دو تومان)

بسیار خوب یک ثباتی سی و پنج تومان یا چهل تومان حقوق داشته است مقام شام استخدام دیده اند حکم این شخص ثباتی است و چهل تومان هم حقوق داشته آمده اند حداکثر سی و هفت تومان برای او حقوق معین کرده اند.

حالا بعد اقل هم می رسیم مقصود من این است که اگر بیایند حد اکثر را بدهند این ایراد نیست که بگوئیم ابتدای خدمت آن ثباتی که ده سال خدمت کرده

از آن موقعی است که این قانون اجرا

دارد. اول بکمیسیون مبتکرات بی رود اگر کمیسیون مبتکرات پس از مطالعه دقت آنرا قابل توجه دانست بمجلس میفرستد و در مجلس رأی قابل توجه بودنش گرفته میشود.

پس از آنکه قابل توجه شد به کمیسیون مربوطه مراجعه می شود و پس از دقت در آن رایوش بمجلس می آید و دستور میشود و بالاخره از روی بصیرت نمایندگان در آن رأی میدهند ولی قانون بودجه از این نقطه نظر مطالعات کامل نمی شود.

همه آقایان تصدیق می کنند که قانون بودجه اساسش روی جمع و خرج است. در موقع رأی دادن روح فکری و کیلوری تعادل جمع و خرج است مخصوصاً حالا دوسه ماه بیشتر با خرسال نمانده و در صورتی که روح فکر آقایان نمایندگان در موازنه جمع و خرج است.

دیگر فرصت نمیشود که در یک قانون دائمی دقت کامل کنند و این قسمت (ب) در همین موضوع یک دخلاتی دارد.

ماده شصت و شش قانون استخدام کشوری تکلیف قوه مجریه را نسبت به مستخدمین خودش معین میکند.

یکی از آقایان اینجا گفتند قطراجم بعیزان نود و نه بما قبل تعلق می گیرد درج سایر قسمت ها بما قبل تعلق نمی گیرد حالا بنده نمیخواهم در آن موضوع داخل شوم سی و دو تومان است زیرا اگر بآن رایوررت دوم کمیسیون مراجعه کنیم که فقط حذف این ماده را یعنی جزء اول را قائل می شود.

این برای بودجه امسال کافی نیست و گمان نمی کنم آقای مخبر هم اشکالی داشته باشد.

(چون آقایان می دانند سابقاً اینطرز نبود که سی و دو تومان یا چهل و دو تومان حقوق بدهند همیشه به رقم های قطعی مثلا سی تومان و چهل تومان و پنجاه تومان حقوق میبدهد اند این درجه بندی ما را وادار کرد که بگوئیم سی و دو تومان چهل و دو تومان یا پنجاه و دو تومان)

بسیار خوب یک ثباتی سی و پنج تومان یا چهل تومان حقوق داشته است مقام شام استخدام دیده اند حکم این شخص ثباتی است و چهل تومان هم حقوق داشته آمده اند حداکثر سی و هفت تومان برای او حقوق معین کرده اند.

حالا بعد اقل هم می رسیم مقصود من این است که اگر بیایند حد اکثر را بدهند این ایراد نیست که بگوئیم ابتدای خدمت آن ثباتی که ده سال خدمت کرده

از آن موقعی است که این قانون اجرا

شده چنانچه در مورد تقاعد هم می بینم فرق گذاشته شده است. مثلاً آن کسی که قبل از اجرای قانون استخدام خدمت کرده چون زود تر بعد تقاعد میرسد از او بیشتر حق میگیرند و آن کسی که از موقع اجرای این قانون داخل خدمت می شود او یک حق دیگری بدولت میدهد.

حالا بنده عقیده دارم در موقعی که قانون بودجه مطرح است نمیشود در این مسائل صحبت کرد زیرا فرضاً من میگویم که این قانون با قابل هم تعلق میگیرد دیگری عقیده دارد باین تعلق نمیگیرد و از موقعی که اجراء میشود همان موقع ابتدای خدمت است و مشاوره در این که نظر بنده صحیح است یا نظر نماینده دیگر که اول خدمت از ۱۳۰۲ باشد یا با قابل آن هم تعلق میگیرد باید در موقع مشاوره در قانون استخدام بحث شود زیرا آقایان میدانند در آن دوشور میشود نظریات مختلف از دو طرف اظهار میشود و بالاخره هر طور را اکثریت مجلس صلاح دانست رأی میدهد ولی در موضوع بودجه چون مجلس شورای ملی میخواهد زودتر آنرا تصویب کند.

بعقیده من رأی موافق یا مخالف. رأی من یا دیگری در این موضوع معرون بصواب نیست که در این موقع در این ماده که راجع بقانون استخدام است و بطور صریح می نویسد ابتدای خدمت مستخدمین از اول حمل هزار و سیصد و دو است رأی داده شود این راجع بقسمت (ب) راجع بقسمت سوم که حقوق مستخدمین را حداقل معین کرده

بعقیده من این دیگر بکلی برخلاف قانون است چرا بجهت اینکه اگر هم مطابق قسمت (ب) ما اول خدمت را ۱۳۰۲ تصور کردیم قانون استخدام خودش اجازه میدهد که در سال دوم میشود تا یک ششم مستخدم اضافه حقوق داد این یک چیزی است مصرح.

ممکن است آقایان بماده هفدهم مراجعه کنند در آنجا صریح می نویسد که دولت یا وزارتخانه ها میتوانند تا یک ششم حقوق خدمت و مقرری را مستخدم بدهند.

خوب ما حالا داریم در بودجه صحبت میکنیم چه لزومی دارد که بیایم اینجا چنین چیزی که برخلاف قانون است بنویسیم؟ اگر مقصود صرفه جوئی است بنده عرض میکنم باین ترتیب بودجه اعتباری چهار دیواری که ما بدولت میدهم صرفه جوئی نمی شود.

دولت برای هر یک از وزارتخانه های خودش یک اعتباری خواسته کمیسیون بودجه هم در همان حدود اعتبار را تصویب کرده مجلس شورای ملی هم یک قسمتش را رأی

داده باقی راهم رأی خواهد داد فرضاً ما اینجا در این بودجه چهار دیواری دولت را مجبور کردیم که حداقل حقوق را مستخدمین بدهد آن وقت باید ببینیم چه مشکلاتی برای وزارتخانه هائی که قانون استخدام در آنها اجراء شده تولید می شود.

حالا یکی نامثل می زنیم مثلاً قبل از این در وزارتخانه ها که هنوز قانون استخدام نبود وقتی که میخواستند شغل معین کنند دیگر منشی اول یا دوم یا سومی در بین نبود باز رئیس شعبه یک چیز مصلحتی بود ولی سایر اسامی این طور نبود مفتش ایالتی بود.

مفتش ولایتی بود در هر وزارتخانه یک اساسی مخصوص بود مثلاً در گمرک و ریفتکاتور و حساب کمی و یک اسم هائی برای خودشان داشتند.

در موقع تطبیق نسبت بیک اشخاصی ظلم های مختصری شده و نسبت ببعضی ها یک محبت های مختصری.

حالا اگر امروز بخواهیم مجدداً یک تغییراتی بدهیم اسباب زحمت خواهد شد. مثلاً یک نفر ماهی پنجاه تومان با اسم منشی کوی میگره است دیگر باونمی گفتند تو منشی چندمی.

در وزارت داخله یا وزارت مالیه میگفتند تو منشی هستی و پنجاه تومان هم حقوق باو میدادند ولی وقتی که آمدند قانون استخدام را اجراء کنند بان کسی که محبت داشتند گفتند آقا تو منشی دومی با پنجاه و دو تومان حقوق و با آن کسی که محبت نداشتند هشت تومان از حقوق او کم کردند و گفتند تو منشی سومی با چهل و دو تومان حقوق.

برای اینکه حالا پنجاه تومان وجوه خارجی ندارند که بیک نفر منشی پنجاه تومان حقوق بدهند یا باید دو تومان اضافه کنند یا هشت تومان کم کنند ولی وقتی که آمدند کم کردند آن وقت ببنده گفتند آقا تو منشی دومی با پنجاه و دو تومان حقوق و با آن کسی که محبت نداشتند هشت تومان از حقوق او کم کردند و گفتند تو منشی سومی با چهل و دو تومان حقوق.

بنده در موقعی که چند تا بودجه می نوشتم (و اتفاقاً این بودجه که امروز مطرح است در جزوی ۱۳۰۲ در آنجائی که ما اموریت داشتم می نوشتم و در مقدمه آن نوشتم و بطهران فرستادم) در آن موقع که این بودجه را می نوشتم این عقیده را داشتم و حالا هم اینجا اظهار می کنم و آن اینست که ندادن مواجب بقدر کفایت را یک اجازه بدکاری میدانم و این عمل از هر کس ناشی بشود خواه قوه مقننه باشد خواه وزیر باشد خواه رئیس اداره باشد یک اجازه بدکاری است که مستخدمین داده میشود ولی دادن مواجب کافی یک تشویقی است از مستخدمین زیرا آنها را وادریک راه راستی می کند.

آقایان، شما اگر یک نظر بدی نسبت بتمام وزارت خانه ها دارید (البته باید هم داشته باشید زیرا وکیل صلاحیت دارد که هر چه بنظرش میرسد بگوید) ولی نمیشود گفت چندین هزار نفری که اوقات خودشان

این ترتیب بکلی ادارات را از آن حالت ثبوت خواهد انداخت و حتماً متزلزل مینماید و چنانچه عرض کردم از نقطه نظر بولی هم اثری ندارد. برای اینکه چند صد هزار تومان بیک وزارتخانه اعتبار داده اید فقط او را مجبور کرده اید که حد اقل را مستخدمین خودش بدهد.

ولی دیگر مقید نگرده اید که تفاوت بین حد اقل و کثرتا بصرفه دولت ضبط کند و ممکن است یک نفر وزیر از کسر کردن هفت تومان ده نفر را صدمه بزند ولی از آن طرف هم فوراً بپیل خودش یک نفر را بیارند پشت یک میز نشاند با هفتاد تومان حقوق و این بواسطه این است که ما وزراء را مجبور نگردانیم.

حالا مثلاً میگویند از این راه هفتصد هزار تومان یا سه میلیون یا یک میلیون صرفه جوئی فلان وزارت خانه است ولی از آن طرف هم فوراً بپیل خودش یک نفر را بیارند پشت یک میز نشاند با هفتاد تومان حقوق و این بواسطه این است که ما وزراء را مجبور نگردانیم.

در موقع تطبیق نسبت بیک اشخاصی ظلم های مختصری شده و نسبت ببعضی ها یک محبت های مختصری.

حالا اگر امروز بخواهیم مجدداً یک تغییراتی بدهیم اسباب زحمت خواهد شد. مثلاً یک نفر ماهی پنجاه تومان با اسم منشی کوی میگره است دیگر باونمی گفتند تو منشی چندمی.

در وزارت داخله یا وزارت مالیه میگفتند تو منشی هستی و پنجاه تومان هم حقوق باو میدادند ولی وقتی که آمدند قانون استخدام را اجراء کنند بان کسی که محبت داشتند گفتند آقا تو منشی دومی با پنجاه و دو تومان حقوق و با آن کسی که محبت نداشتند هشت تومان از حقوق او کم کردند و گفتند تو منشی سومی با چهل و دو تومان حقوق.

بنده نمی ترسم ولی آنها می ترسند این قبیل میزها را ایجاد کنند باید فکر کنند) پس بنظر بنده این قسمت فلسفه بولی ندارد.

برای اینکه از این راه مجلس شورای ملی نمیتواند بودجه مملکتی خدمت می کند و همین طور فلسفه اداری هم ندارد.

بجهت اینکه مستخدمین را از راه کم کردن حقوق نمیتوانیم تشویق بکنیم و اگر یک اشخاص بی هستند و بنظر آقایان نمایندگان آن اشخاص بایستی تعقیب شوند این موجب این نخواهد بود که ما یکمرتبه یک خط نهی روی تمام مستخدمین خودمان بکشیم و باید مستخدمین را تشویق کرد.

بنده در موقعی که چند تا بودجه می نوشتم (و اتفاقاً این بودجه که امروز مطرح است در جزوی ۱۳۰۲ در آنجائی که ما اموریت داشتم می نوشتم و در مقدمه آن نوشتم و بطهران فرستادم) در آن موقع که این بودجه را می نوشتم این عقیده را داشتم و حالا هم اینجا اظهار می کنم و آن اینست که ندادن مواجب بقدر کفایت را یک اجازه بدکاری میدانم و این عمل از هر کس ناشی بشود خواه قوه مقننه باشد خواه وزیر باشد خواه رئیس اداره باشد یک اجازه بدکاری است که مستخدمین داده میشود ولی دادن مواجب کافی یک تشویقی است از مستخدمین زیرا آنها را وادریک راه راستی می کند.

آقایان، شما اگر یک نظر بدی نسبت بتمام وزارت خانه ها دارید (البته باید هم داشته باشید زیرا وکیل صلاحیت دارد که هر چه بنظرش میرسد بگوید) ولی نمیشود گفت چندین هزار نفری که اوقات خودشان

را صرف خدمت دولت میکنند آنها بی حق بشوند و بدون اینکه اسم و رسم اشخاص را معین کنیم فقط بصرف اینکه ما از مزین و صندلی خوشمان نیاید بگوئیم اول خدمت هزار و سیصد و دو است و هر کس قبل از این تاریخ خدمت کرده خدمت او بی خود است. و بعد که قانون اجازه میدهد در سال دوم یک کسی اگر لیاقت داشت یک حقی تا یک ششم حقوقش باو بدهند و او را هم نباید بدهند.

در این خصوص توضیح دادم حالا هم یک مثل دیگری عرض می کنم بیک آدمی که دارای صد و پنجاه تومان حقوق بوده است آن وقت این صد و پنجاه تومان را چکار کرده اند.

خیلی که میخواستند نزدیک بدرجه خدمت بکنند شش تومان کم میکردند و می گفتند صد و چهل و چهار تومان حداکثر حقوق رئیس دانه را بگیرد و رئیس دانه باشد یا اگر نسبت باو محبتی داشته است چهارده تومان هم باو اضافه میدادند و میگفته است رتبه تو معاون اجازه است یا اگر کسی بوده که نمی توانست چهارده تومان اضافه حقوق در حق خودش برقرار کند همان حد اکثر حقوق مدیر دانه را باو میدادند و شش تومان هم از حقوق او کسر میشده آن وقت این رأی ما هم بیست تومان از مواجیش کم میکنند و میگویند برو صد و بیست و چهار تومان بگیر و همانطور که توضیح دادم این ماده فقط برای تعیین نوشته شود حقوق رتبه اول مستخدمین واجب است که از آن روز وزارت خارجه برود بودجه خودش را تهیه کند ولی اینکه محدود کنیم که ابتداء خدمت ۱۳۰۲ است این یک تفسیری است که در قانون استخدام باید ذکر شود اگر آقایان لازم میدانند باید در موقع شور در قانون استخدام مذاکره کنند و در آنجا باید مطالعه و بصیرت کاملی رأی بدهند و حداقل هم برای مملکت صرفه نخواهد داشت و وزارتخانه ها را چهار یک اشکالات و زحماتی میکنند در عوض تشویق یک ظلمی در حق عموم مستخدمین می شود.

نایب رئیس - آقای تین (اجازه)

تین - بنده اولاً وارد می شوم در جواب مذاکرات آقای داود در جلسه گذشته و بعد هم در جواب بیانات آقای حاج عزالمالک در این جلسه و آن وقت وارد می شوم در بیان علت پیشنهاد این ماده اگر چه در جلسه سابق عرض کردم دوسه ساعت در این باب حرف خواهم زد ولی حالا صمی میکنم که حتی الامکان کمتر حرف بزنم ولی بسته است باینکه آقایان مخالفین این ماده کمتر حرف بزنند

تنها مطابق بودجه که آورده اند در مرکز صدوش هزار تومان است و این معنی ممکن است .

اگر غیر ممکن بود چه میشد ؟

بنده حتی الامکان اجتناب دارم حرف‌هایی که يك وقت منتهی میشود بتزلزل مرکزیت ولی اینجا ناچارم عرض کنم این قانون فقط برای تهران وضع نشده این قانون برای تمام مملکت و برای عموم مستخدمین دولت وضع شده است .

در هر نقطه از مملکت باشند خواه در بوشهر خواه در بندر جزو خواه در کلات باشد شامل همه آنها باید شود و بنده نمیدانم چه موجب این شده است که در مرکز صدوش هزار تومان تفاوت حداقل و اکثر باشد آنگاه مال بالادست‌ها مستخدمین یابین ولی در ولایات ثبات بیست تومان و هجده تومان و یازده تومان و هکذا حقوق بگیرند ؟

حالا از این قسمت هم میگذریم و اگر بنا بر این است که حداکثر را باید داد چرا بباقی وزارتخانه‌ها نباید داد ؟

و بوزارت پست و تلگراف حد اقل میدهند ؟

این چیز غریبی است و بنده که این ماده را پیشنهاد کردم موافق با این ماده هستم . مخالف تبعیض

قانون باید بطور تساوی نسبت به همه اشخاصی که مشمول میشوند اجراء شود مگر اینکه تبعیض در خود قانون باشد و آن وقت آن تبعیض قانونی است .

بنا بر این در سال اول اضافه داده اند و امسال هم که هفت دوازدهم مجلس تصویب کرده است در حدود سال گذشته است و طبعاً هم گرفته میشود و دیگر اینکه این کلمه علی الحساب هم تقریباً شوخی شده زیرا آن وقت که رأی دادیم بطور علی الحساب برای این بود که وقتی يك تصمیم قطعی گرفته شد

آنوقت زیاد و کمش میکنیم ولی با این حال گفتیم حالا که ششماه گذشته یارسال را هم که گرفته اند ششماه را هم بگیرند نوش جان شان ولی از میزان یا بنظر طرف در این ششماه و سال آتی باید تبعیض رفع شود و این قانون شامل حال تمام اشخاص شود و در اینجا ناچارم چند جمله دیگری را هم عرض کنم بدست‌خانه بدهم برای ضم

از يك طرف بواسطه کمی هایدات بودجه‌های وزارتخانه‌ها را تقلیل کرده اند و بالاخره وزارت خانه‌ها را دچار مقصود نموده اند .

پنجاه هزار تومان از بودجه معارف کسر کرده اند .

اما از يك طرف صد و شش هزار تومان اضافه حقوق بدوایر مرکزی وزارت مالیه داده اند .

از طرفی هشتاد هزار تومان از بودجه وزارت عدلیه کم کرده و یکمده اشخاص را در نتیجه این کسر بیرون کرده اند با این حال از طرف دیگر اضافه حقوق بمالیه داده می‌کنند .

وزارت جنگ که اصلاً مشمول این قانون نیست .

لذا آن را موضوع میکنیم .

وزارت عدلیه وضعیتش بر آقایان معلوم است .

وزارت معارف حالش این است که ملاحظه میفرمائید .

پست و تلگراف که حداقل حقوق را هم باور داده اند .

وزارت فواید عامه که اصلاً ادارت مرکزی این قدرها نیست و اگر خرجی هم دارد متعلق به طرق و شوارع است اما چه عرض کنم با این باج‌هایی که از مردم میگیرند .

نمی دانم حقوق این وزارت خانه را واقعاً باید تصویب کرد یا نه ؟

دیگر از وزارت خانه‌ها وزارت خارجه است که آنجا هم لایحی علیکم حداکثر حقوق را برده اند و از این حیث مثل وزارت مالیه هستند .

بنده عرض کردم نظر خاصی ندارم ولی بالاخره عرض میکنم که من حیث - المجموع صد و پنجاه هزار تومان تفاوت عمل است از نقطه نظر همین حداکثر و از این صد و پنجاه تومان صدوش هزار تومانش متعلق بمالیه است بقیه مال سایر وزارتخانه‌ها است .

دیگر توضیحی ندارم .

حالا با این تفصیل و با اینکه وزارت خانه‌های مادچار محصوم شده اند و همه این هاهم بواسطه کمی پول است يك مسئله دیگری را که خیلی جالب توجه است لازم است عرض کنم و آن این است که بعد از همه این طول و تفصیل و پس از اینکه در این لایحه بودجه مانعده هزار تومان فاضل هایدات اسمش را گذاریم معنی آن اگر این بودجه را با همین کیفیات تصویب بفرمائید باز دو میلیون تومان قرض مسلم برای سال آتی تهیه کرده اند که نه صد و چند هزار تومانش جزء امسال است و يك میلیون و کسری برآ سال آتی .

وزیر مالیه - بنده نمیخواهم خیلی طول و تفصیل بدهم .

بیاناتی که اینجا از موافق و مخالف اظهار شد بسیارش خیلی صحیح بود و لیکن در مطالب باید همه چیز را در نظر گرفت و تمام جهات را ملاحظه کرد .

اینکه قانون استخدام اجراء شده است یا نشده است در این موضوع اینجا مکرر مذاکره شد و مطلب با این سادگی که بیان فرمودند نیست و اینکه ماده ۶۶ را فراتر

کرده و فرمودند وزارت خانه‌ها باید مشاغل را با مراتب منظوره در قانون استخدام تطبیق کنند .

این مطلب اینقدر ساده نیست .

اولاً مستخدمین دولت همه عنوان ثبات و منشی و رئیس دایره را نداشته و ندارند تا اینکه ما بیائیم نگاه کنیم ببینیم مدت خدمت هر کسی چقدر بوده و از روی مدت خدمت رعایت رتبه او را نموده و مرتبه اش را تشخیص بدهیم مثلاً ما حکم داریم .

قنصل داریم .

نصیبدار داریم .

امین‌تذکره داریم .

کارگذار داریم .

خوب این مراتب را باید چه اسم بگذاریم ؟

مثلاً باید بگوئیم حاکم هم درجه با منشی است با باثبات یا منطبق با رئیس اداره یا دائره است ؟

چه باید اسمش را بگذاریم و با کدام يك از مراتب نه گانه قانون استخدام تطبیق کنیم ؟

اینکه گفته شد سابقاً هم ثبات داشتیم منشی هم داشتیم . مدیره شعبه یا مدیر دائره هم داشتیم .

بلی داشتیم ولی عرض کردم همه مستخدمین دولت که منحصر بمنشی نیستند تا مشمول مراتب قانون استخدام بشوند .

قانون استخدام میگوید :

وزارتخانه‌ها باید بر حسب مقتضیات بقانون مراجعه کنند و هر يك از مستخدمین که دارای يك شغلی است آن شغل را با یکی از مراتب منظوره در قانون تطبیق کنند .

مثلاً وزارت خارجه آمد و دید که وزیر مختار چه مرتبه را باید دارا باشد آن وقت شاید همچو مقتضی دانست که آخرین مرتبه نه گانه را دارا باشد و وقتیکه این تشخیص را داد .

حالا میخواهد آن وزیر مختار چهار سال خدمت کرده باشد با چه سال در هر حال رتبه او را ما باید رتبه نهم بدائیم .

آیا میتوانیم يك وزیر مختاری را که بفلان دربار فرستاده ایم باین تصور که چون ده سال بیشتر نیست در خدمت وزارت خارجه داخل شده است مرتبه او را یائین تر بیاوریم ؟

اینکه گفته شد مدت خدمت را باید بدهد قرارداد باید عرض کنم که اینطور نیست .

قانون نگفته است کسی که يك مدت زیادی خدمت کرده باید ترفیع حاصل کند .

راست است که مدت خدمت را قائل شده است ولی باید دانست شرط ترقی منحصر ب مدت خدمت نیست روح قانون حاکی است که هر کسی لیاقت دارد .

کفایت دارد و بیشتر معامومات دارد و این چیزهایی که برای ترقی در خدمت منظور است

تمام این مراتب را باید ملاحظه کرد و با رعایت این جهات ارتقاء رتبه به مستخدمی داد .

مستخدمی که چهار سال است خدمت می کند البته واجب الیه است و البته حقوق او باید بیشتر از مستخدمی که پنج سال است بدولت خدمت می کند منظور نظر باشد

اما بسا هست که پس از چهار سال خدمت معذک نمی شود به او ترفیع رتبه داد زیرا ممکن است پس از چهار سال هنوز از عهده کار بالاتر بر نیاید پس اینهم اصلی است باید در نظر داشت .

عقیده ما این است و تصور می کنم که مجلس شورای ملی هم تصویب خواهد کرد و عقیده خواهد داشت که در قانون استخدام باندازه کافی مسئله فضل و کفایت منظور و ملحوظ نشده و در اصلاحی که حالا در قانون باید نمود این مطلب را باید بیشتر رعایت کرد .

اینکه گفته شد سابقاً هم ثبات داشتیم منشی هم داشتیم . مدیره شعبه یا مدیر دائره هم داشتیم .

بلی داشتیم ولی عرض کردم همه مستخدمین دولت که منحصر بمنشی نیستند تا مشمول مراتب قانون استخدام بشوند .

قانون استخدام میگوید :

وزارتخانه‌ها باید بر حسب مقتضیات بقانون مراجعه کنند و هر يك از مستخدمین که دارای يك شغلی است آن شغل را با یکی از مراتب منظوره در قانون تطبیق کنند .

مثلاً وزارت خارجه آمد و دید که وزیر مختار چه مرتبه را باید دارا باشد آن وقت شاید همچو مقتضی دانست که آخرین مرتبه نه گانه را دارا باشد و وقتیکه این تشخیص را داد .

حالا میخواهد آن وزیر مختار چهار سال خدمت کرده باشد با چه سال در هر حال رتبه او را ما باید رتبه نهم بدائیم .

آیا میتوانیم يك وزیر مختاری را که بفلان دربار فرستاده ایم باین تصور که چون ده سال بیشتر نیست در خدمت وزارت خارجه داخل شده است مرتبه او را یائین تر بیاوریم ؟

اینکه گفته شد مدت خدمت را باید بدهد قرارداد باید عرض کنم که اینطور نیست .

قانون نگفته است کسی که يك مدت زیادی خدمت کرده باید ترفیع حاصل کند .

راست است که مدت خدمت را قائل شده است ولی باید دانست شرط ترقی منحصر ب مدت خدمت نیست روح قانون حاکی است که هر کسی لیاقت دارد .

مثلاً عرض کردم یکی وزیر مختار است این را ما نمیتوانستیم بگوئیم چقدر مدت خدمت دارد .

فرض میکنیم وزیر مختاری دارای ده سال مدت خدمت است ولی ما نمی توانستیم يك وزیر مختار نه مرتبه سوم که منشی گری باشد بدهیم و نه حقوق آن رتبه را هیچکدام .

زیرا بتجربه رسیده است که هر وقت خواسته اند يك چاقوئی دست گرفته قطع کنند و يك مرتبه اصلاحاتی بکنند موفق نشده اند .

بنده خودم در این عمری که کرده ام دیده ام در این مملکت اشخاص هر وقت خواسته اند که يك اصلاحات قطعی بکنند و اقدام بيك عملیات قطعی بنمایند بالاخره بجائی نرسیده است .

برای اینکه اینطور بنظر می آید که اصلاح قطعی مخالف طبیعت انسانی است .

پس قانون استخدام هم این مسئله را رعایت کرده و گفته آنچه گذشته گذشته .

از حالا بیاید طوری رفتار کنیم که بفرمایش آقایان مستخدمین مظلوم واقع نشوند .

قانون استخدام با اینکه خیلی اسباب زحمت شد و خود بند هم زحمت او را خیلی متقبل شدم و شاید يك معایب و نواقصی دارد اما معذک عرض میکنم که وضع این قانون در دوره چهارم یکی از بهترین یادگارهای آن دوره است .

البته اگر نواقصی هم دارد انشاء الله بمرور رفع خواهد شد .

ولی وضع این قانون نه تنها مظلومیت مستخدمین را جلو گیری کرد . بلکه خیلی چیزها را جلو گیری کرده .

یکی این بوده که دولت را از يك مهله نجات داده . زیرا هم بطور که آقای تدین فرمودند سابق ترتیب ما اینطور بود هر وقت يك اشخاصی مصدر کار میشدند و بوزارت می رسیدند مسئله قوم و خویش و یابارتی و یا واسطه و شفاهت سبب میشد که يك اشخاصی را سر کار بیاورند آنوقت دو حال لازم می آمد .

یا اینکه يك اشخاصی را باید بیرون کنند و اینها را بجای آنها بگذارند و یا اینکه قدیمی را نگاهدارند و جدیدها را هم بیاورند آن وقت نتیجه اش این میشد که حالا در هر وزارت خانه آنقدر منتظر خدمت پیدا شده است .

پس از این نظر قانون خیلی خوب بود و اگر معایبی هم دارد گرچه اسباب زحمت است ولی اصلاح خواهد شد و این معایب موقتی است و در آتی نتایج خوبی خواهد داشت .

حالا بنده عرض میکنم این ماده می گوید مشاغل را تطبیق کنید با رتبه ولی نکته تاسیس و ایجاد مراتب

پس هر وقت با اصلاحات شروع کنیم خوب است .

هر قدر هم موفق شویم باز خوب است همیشه باید کار کرد و اصلاحات را تدریجاً نمود و این هم يك اصلی است که اصلاحات قطعی را يك مرتبه نمی شود کرد و نتیجه نخواهد داشت .

زیرا بتجربه رسیده است که هر وقت خواسته اند يك چاقوئی دست گرفته قطع کنند و يك مرتبه اصلاحاتی بکنند موفق نشده اند .

بنده خودم در این عمری که کرده ام دیده ام در این مملکت اشخاص هر وقت خواسته اند که يك اصلاحات قطعی بکنند و اقدام بيك عملیات قطعی بنمایند بالاخره بجائی نرسیده است .

برای اینکه اینطور بنظر می آید که اصلاح قطعی مخالف طبیعت انسانی است .

پس قانون استخدام هم این مسئله را رعایت کرده و گفته آنچه گذشته گذشته .

از حالا بیاید طوری رفتار کنیم که بفرمایش آقایان مستخدمین مظلوم واقع نشوند .

قانون استخدام با اینکه خیلی اسباب زحمت شد و خود بند هم زحمت او را خیلی متقبل شدم و شاید يك معایب و نواقصی دارد اما معذک عرض میکنم که وضع این قانون در دوره چهارم یکی از بهترین یادگارهای آن دوره است .

البته اگر نواقصی هم دارد انشاء الله بمرور رفع خواهد شد .

ولی وضع این قانون نه تنها مظلومیت مستخدمین را جلو گیری کرد . بلکه خیلی چیزها را جلو گیری کرده .

یکی این بوده که دولت را از يك مهله نجات داده . زیرا هم بطور که آقای تدین فرمودند سابق ترتیب ما اینطور بود هر وقت يك اشخاصی مصدر کار میشدند و بوزارت می رسیدند مسئله قوم و خویش و یابارتی و یا واسطه و شفاهت سبب میشد که يك اشخاصی را سر کار بیاورند آنوقت دو حال لازم می آمد .

یا اینکه يك اشخاصی را باید بیرون کنند و اینها را بجای آنها بگذارند و یا اینکه قدیمی را نگاهدارند و جدیدها را هم بیاورند آن وقت نتیجه اش این میشد که حالا در هر وزارت خانه آنقدر منتظر خدمت پیدا شده است .

پس از این نظر قانون خیلی خوب بود و اگر معایبی هم دارد گرچه اسباب زحمت است ولی اصلاح خواهد شد و این معایب موقتی است و در آتی نتایج خوبی خواهد داشت .

حالا بنده عرض میکنم این ماده می گوید مشاغل را تطبیق کنید با رتبه ولی نکته تاسیس و ایجاد مراتب

نکنید .

نگفته اعطای مراتب بکنید با اعضا ادارات .

بلکه گفته شغل هر کسی را ببینید و با یکی از این مراتب نه گانه تطبیق کنید .

گفته فلان آدمی که روی يك صندلی نشسته مثلاً اسم آن صندلی را بگذارید صندلی چهارم . و بگوئید این آدم در روی صندلی چهارم نشسته است .

خوب . پس از اینکه شما این صندلی را بنام صندلی چهارم قبول کردید آن وقت بنده معتقد نیستم که بگوئید . بلی این صندلی صندلی چهارم است ولی از ابتدای حمل تنگوزئیل . و قبل از حمل صندلی چهارم نبوده است .

این است که بنده بعقیده خودم تصور میکنم نمیشود مبده خدمت را از اول حمل گرفت و تصور میکنم اگر این کار را بکنیم يك تفسیری از قانون استخدام کرده ایم زیرا بنده از روی همین قانون استدلال میکنم که مبده خدمت را اول حمل معین کردن تفسیر قانون است . چرا ؟ برای اینکه شما میگوئید اول حمل است . بنده میگویم نیست پس يك طرف را شما گرفته اید و طرف دیگر را بنده .

آقای حاج عز المالك گفتند خوب است این تفسیر را اینجانبان کنیم .

بنده هم با آقای تدین عرض میکنم که شما حق ندارید این تفسیر را بکنید .

خیر شما این حق را دارید ولی بنده عرض میکنم در اینجا مقتضی نیست .

زیرا مطلب غامض است و همینطور که مذاکره و عرض شد مطالب را باید کاملاً سنجید و مطالعه کرد .

خوب باید قانون استخدام بيك ترتیبی اجرا شده .

حالا عملیات این دو سال را اگر بخواهید تغییر دهید و برهم نزنید بنده عرض میکنم يك انقلابی ولو اینکه بزرگ هم نباشد تولید خواهد کرد .

اما راجع بآن معایبی که فرمودند در ادارات هست .

در صورتی هم که باشد بآن شدنی که فرمودند نیست البته بنده يك قسمتش را تصدیق میکنم ولی اگر مبالغه را کنار بگذاریم تصدیق خواهم کرد که اینطور نیست .

اگر بنشود این تفسیر بشود آن وقت نتیجه این خواهد بود که یکی از انتظاراتی که ما از قانون استخدام داشتیم که مقصود ثابت بودن اوضاع و احوال مستخدمین باشد بهتر خواهد رفت .

ملاحظه بفرمائید مستخدمین را بطور عموم و مطلق نمیشود گفت همه شان بدند بلکه اکثرشان هم خوبند .

ممکن است بعضی شان هم بد باشند ولی وقتی که شما خواستید این مستخدمین

که فعلاً خدمت میکنند مقامشان را خواه از حیث حقوق .

خواه از حیث رتبه خواه از حیث بقا و بالاخره از حیث آتی از تزلزل بیرون بیاورید با این ترتیب آن وقت نقض غرض کرده اید یعنی اگر بنشود بیکمده مستخدمینی که پارسال بکرتبه و حقوقی داشته و رتبه شان را از روی حقوق تشخیص داده اند پس از مدتی خدمت هوششان بکند آنوقت اطمینان از همه سلب میشود .

زیرا خواهند گفت يك هیئت مقننه يك قانونی وضع و يك هیئت مجریه يك - طوری آن را اجراء میکنند آن وقت هیئت مقننه دیگر می آید و کار دیگر می کند و او را تفسیر میکنند این است که بنده باز بطور خلاصه عرض میکنم که این ماده ۴ جزء دارد .

در يك جزء آن که حقوق رتبه اول باشد خود کمیسیون آن را پس گرفته و بعالت اولیه برگردانده است .

ولی در باب آن قسمت دیگر بنده از آقایان تمنا دارم فعلاً این مسئله را مسکوت بگذارند و رأی ندهند . چرا ؟

برای اینکه آن قسمتی که راجع به حداقل حقوق است که امساله را حداقل بدهند .

همانطور که گفته شد هر قدر بخواهند دابل و برهان برای خوبی اینکار بیاورند باز نمیتوان منکر شده که با ظاهر قانون استخدام مخالفت دارد زیرا در قانون گفته شده است که از سال دوم بیاید می توان اضافه حقوق باعضا داد .

آقایانی که میگویند الزام نشده است .

بلی صحیح است ولی وقتیکه در جزء قانون بودجه مینویسد امسال که سال دوم اجرای قانون استخدام است

بقول خودتان اگر مبده مراتب را از اول حمل تنگوزئیل بگیرد سال دوم است

اگر بقول من باشد که سال سوم و چهارم است

پس بوجوب این قانون چون سال دوم اجرای قانون استخدام است وزارتخانه ها حق دارند به مستخدمین اضافه حقوق بدهند و شما میخواهید بوجوب این قسمت از ماده چهاردهم این حق را از مستخدمین بگیرد

بنده حالا عرض میکنم که به هر مستخدمی در سال دوم باید اضافه حقوق داد و آن حقوق هم مثلاً باید در حد اکثر باشد ؟

خیر بنده همچو عرض میکنم بلکه در اینجا باید مسئله لیاقت . جدیت و طرز خدمت مستخدم راه نگاه کرد

اگر چنانچه حتماً مستوجب تشویق است باید به او اضافه حقوق داد آن هم باندازه

که مستوجب و درخواست باید باو داده شود و این اختیار را هم باید برای وزراء و رؤسای وزارتخانهها باقی بگذارید که این کار را بکنند

اما اینکه بطور کلی باید مستخدمین اضافه حقوق داد یا خیر

بنده عرض میکنم بسته به موارد است در يك جایی اگر مورد داشته باشد باید داد و اگر يك موردی بر عکس است که خیر

بطور اشاره باید عرض کنم که يك اشخاصی هستند که واقعا بین من و خدا مستوجب تشویق بوده اند و وزارتخانه ها دیده اند چاره ندارند جز اینکه پنج تومان یا هفت تومان اضافه حقوق بآنها بدهند و اگر این ماده را تصویب و این رای را قبول کنید آن تشویق از بین خواهد رفت و يك اطمه وارد خواهد آمد

اما در يك جزء دیگر این ماده که خدمت را از اول حمل تنگ و زبیل قرارداد بنده چون آدم منصفی هستم عرض نمیکنم قطعا برخلاف قانون است بلکه عرض میکنم هر دو تفهیم در او معتدل است

پس حالا که اینطور است اصلاح لازمی ندارد که ما اینجا تفسیر کنیم زیرا وزارتخانه ها بزرگ خواهند افتاد و يك قسمت از مستخدمین در افغان میشود

بالاخره نباید قومی کرد که از اول میزان وزارتخانهها بودجههای خودشان را طور دیگر تهیه کنند

بنده از آقایان این تمنا را میکنم که این مسئله را با اختیار وزارتخانه ها باقی بگذارید و آن ها را مقید نکنید که بودجه های خودشان را در شش ماه اول بطور و در شش ماه ثانی بکطور دیگر بنویسند

زیرا بهمان دلائی که اینجا ذکر شد بعضی از آنها در تصفیه افتاده اند باید آزاد باشند که هر طور میتوانند بودجه های خودشان را تهیه کنند و اینکه گفته میشود بودجه اعتباری بوزراء می دهیم که بروند هر کار دلشان می خواهد بکنند

بنده عرض می کنم همچو چیزی البته مجلس نباید چنین اجازه بدهد و دولت هم يك چنین اجازه و اختیاری نمیخواهد بلکه میخواهد قانون استخدام و مواد چهارده گانه این بودجه و سایر مواد را رعایت کند

ولی این مسئله مستلزم این نیست که شما آن ها را مجبور کنید در شش ماه اول بکطور و در شش ماه دوم قسم دیگر بودجه خودشان را تنظیم کنند

بلکه نظر بصعوبت و سختی که برای وزارتخانه ها پیش آمده مقتضی این است که آنها اختیار بدهید که در حدود و

مطابق قانون هر طوری بخواهند بودجهها را تهیه کنند

بسا هست که از اول سال بتوانند صرفه جوئی کنند و بروی قسمت آخر سال بگذارند

این ها مطالبی بود که بنده راجع باین مسئله لازم بود عرض کنم اما اینکه آقای تدین در قسمت اخیر بیانات خودشان فرمودند

با این تفصیل باز نصد هزار تومان قرض برای امسال و دو میلیون برای سال آینده گذارده اند لازم است عرض کنم که این مطلب به هیچ وجه مربوط بقانون استخدام نبود و شما هر تفسیری که نسبت بمواد قانون استخدام بکنند مربوط به این مسئله نخواهد بود

زیرا همه کس میدانند این قرضی که شده است بر گردن ماست اشخاصی که خودشان مقروض شده اند بخوبی میدانند که اساسا قرض به چیزی است

ولی این يك چیزی است که در دو سال قبل بنا بر يك پیش آمدی شده است و در کمیسیون بودجه هم در این باب مذاکره کردیم و معلوم هم شد که بچه علت قرض شده و همینطور معلوم شد که بر حسب ضرورت و لزوم این امر پیش آمده از این جهت نه تصمیر دولت حاضر است و نه تصمیر دولت های سابق

تصمیر کسی نیست و ربطی هم به بودجه و قانون استخدام ندارد

البته بعد هم کتبا و شفاهاً در این باب توضیحات لازمه داده خواهد شد و به چه شکل هم جبران خواهد شد آن هم معلوم میشود

بعرض از نمایندگان - مذاکرات کلسی است

نایب رئیس - پیشنهاد تنفس شده

تدین - بنده توضیح نظامنامه ای دارم

نایب رئیس - اگر توضیح نظامنامه ای دارید بفرمائید

تدین - چون يك قسمت از هریض مر آقای وزیر مالیه برخلاف جلوه دادند از این جهت نظامنامه بنده حق میدهد که توضیح بدهم

ایشان فرمودند بعضی از مذاکرات بنده مبالغه بوده است و معنی مبالغه اینست که برخلاف واقع بوده

گمان میکنم مقصودشان هم از مبالغه همان قسمت های وزارت مالیه بوده است

بودجه اینجا حاضر است و با دقت هم ارقامش حساب شده است و ایشان در تمام مذاکراتشان حتی يك کلمه از وزارت مالیه نگفتند

بنده مخالف نیستم که مستخدمین

حقوق داده شود بلکه میگویم اگر بدهید بهمه بدهید

چه امتیازی وزارت مالیه بر سایر وزارتخانهها دارد؟

چه علت دارد آنکه نزدیک بخاری است پول بگیرد ولی آنکه دور است هیچ نگیرد؟

نایب رئیس - رای میگیریم بکفایت مذاکرات

گازرونی - بنده مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید

گازرونی - بطوری که آقایان هم تصدیق دارند این ماده یکی از مواد اصولی و اساسی است که در واقع سایر مواد هم مبتنی بر این ماده است

شایسته این بود که اول در این ماده مذاکره شود و تشخیص بدهند ببینند راجع بمیزان حقوق بالاخره رای آقایان بر چه قرار میگیرد

بعقیده بنده باید در این باب مذاکره شود و يك اصلاحاتی چه از نظر تطبیق قانون استخدام با این مواد چه از نقطه نظرهای دیگر باید بشود و این مطالب حل گردد

باینکه هنوز این امر تصفیه نشده و مذاکراتی که لازم است ایراد نشده چطور میفرمائید مذاکرات کافی است

نایب رئیس - رای میگیریم بکفایت مذاکرات

آقایانی که تصویب میفرمائید قیام کنند

(جمع کنیری برخاستند)

نایب رئیس - تصویب شد

پیشنهاد تنفس شده است قرائت می شود

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تنفس داده شود

اخگر

نایب رئیس - رای میگیریم به این پیشنهاد

آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمائید

(ممدودی برخاستند)

نایب رئیس - تصویب نشد

قسمت اول ماده مطابق راپرتی که آقای معبر داده اند قسمت الف اصلاح شده قرائت میشود

(شرح آتی خوانده شد)

۱- مقرری رتبه اول مستخدمین

۲- مقرری رتبه اول و مقرری رتبه اول قضاات

۳- مقرری رتبه اول مستخدمین

۴- مقرری رتبه اول مستخدمین

۵- مقرری رتبه اول مستخدمین

۶- مقرری رتبه اول مستخدمین

۷- مقرری رتبه اول مستخدمین

۸- مقرری رتبه اول مستخدمین

نایب رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی قرائت میشود

(باین ترتیب قرائت شد)

مقام محترم مجلس شورای ملی - بنده پیشنهاد میکنم کلمه (وضا) از فقره دوم ماده ۱۴ حذف شود

نایب رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - عرض میکنم در اینجا نوشته است (ابتدای رتبه های قانونی مستخدمین کشوری و قضاات از اول حمل تنگ و زبیل ۱۳۰۲) بنده یکی از مخالفین این ماده هستم و از اول تا آخر هم مخالفم نهایت مذاکرات کافی شده و نوبت بنده رسیده است تا عرض خودم را عرض کنم در این عبارت که نوشته شده است (ابتدای رتبه های قانونی مستخدمین کشوری) اگر آقایان دقیق شوند ملاحظه خواهند فرمود که يك مضراتی برای عده زیادی از مستخدمین بدبخت تولید خواهد کرد

و در باره قسمت عمده آنها ظلم خواهد شد

شاید همه باشند که از این ترتیب منتفع خواهند شد بنده حالا وارد اصل قضیه نمی شوم عرض میکنم با کلمه (قانونی) که اینجا نوشته شده مخالفم و پیشنهاد کرده ام کلمه قضاات از عبارت ماده برداشته شود زیرا اگر فرض کنیم رتبه های مأمورین هر وزارتخانه تا قبل از حمل تنگ و زبیل ۱۳۰۲ قانونی نبوده است در صورتی هم که اینطور نیست

باز قضاات مشمول این فرض نمیشوند زیرا آنها قبلا هم دارای رتبه و مراتب قانونی بوده اند

حالا ماده ۱۶ قانون تشکیلات عدلیه را میخوانم

(مراتب حکام و صاحب منصبان اداره مدعیان عمومی و مستخدمین عدلیه از قرار ذیل است

۱- ریاست دیوان تمیز و مدعی عمومی دیوان مذکور

۲- ریاست شعبه دیوان تمیز

۳- مستشاری دیوان تمیز و ریاست محکمه استیناف و مدعی عمومی استیناف و وکالت عمومی دیوان تمیز

۴- ریاست شعبه استیناف و وکالت عمومی استیناف

۵- ریاست محکمه ابتدائی و مدعی عمومی محکمه ابتدائی

۶- عضویت محکمه استیناف و معاونت وکالت عمومی استیناف و مستنطق درجه اول و ریاست شعبه ابتدائی و ریاست محکمه نجات

۷- عضویت محکمه ابتدائی و معاونت مدعی عمومی بدایت و مستنطق درجه دوم و امانت صلح

۸- معاونت عضویت محکمه ابتدائی

۹ دفتر داری محاکم

منتهی ترتیب نمره را سابقاً از اینجانب بیلا گرفته بودند و حالا بر عکس است

علی ایحال قضاات تا قبل از حمل هم يك رتبه های قانونی داشته اند و ما نمیتوانیم بگوئیم رتبه های آنها از اول حمل قانونی خواهد بود

لذا بعقیده بنده کلمه قضاات باید حذف شود

از سایر وزارتخانه ها هم يك شکایتی میشد ولی چون مطابق اصل شانزدهم قانون اساسی وزارتخانه ها هنوز حاضر نشده اند قانون تشکیلات خودشان را ب مجلس بیارند و مجلس هم هنوز آن ها را ندیده است باین جهت وزارت عدلیه حق دارد مطابق تشکیلات خودش یک عملیات بکند

ولی سایر وزارتخانه ها که قانون تشکیلات ندارند و تشکیلات اداری هیچ کدام هم صحیح نیست

ماده شصت و شش هم که خراب است و باید اصلاح شود معذرت این ماده ۱۴ بهیچ وجه این مسائل را اصلاح نمیکند و بخصوص اگر این کلمه در اینجا باشد از نقطه نظر این که قضاات سابقاً يك رتبه قانونی داشته اند و در آن تاریخ هم که قانون استخدام جاری نبوده قانون تشکیلات عدلیه راجع بقضاات جاری بوده است

از این جهت نمیشود قضاات را مشمول اول حمل کرد

نایب رئیس - در حدود پیشنهادتان توضیح بفرمائید

یاسائی - بعلاوه قانون استخدام قضاات از اول حمل ۱۳۰۲ مجری شده است آقای منصور السلطنه معاون وزارت عدلیه هم حاضرند و میدانند که قانون استخدام قضاات از اول حمل اجرا نشده بلکه اصلا بعد از حمل تصویب شده و سه چهارم از حمل تنگ و زبیل گذشته بود که ابلاغ و اعلام شد

در اینصورت چطور ما میتوانیم رتبه های آن ها را فقط از اول حمل ۱۳۰۲ قانونی بدانیم

نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده صدر و ذیل این پیشنهاد آقای یاسائی را ملاحظه کردم متناقض و وکالت عمومی دیوان تمیز بنظرم آمد اولاً ایشان پیشنهاد کرده اند این پیشنهاد این است که معتقد بشوند به بقیه ماده و فقط این کلمه را عقیده دارند نباشد اما در وقت توضیح باصل ماده چسبیدید بهتر این بود که پیشنهاد میکردند اصلا این ماده حذف شود

اما شما تنها فقط باین جمله که باید باشد چسبیدید و حذف او را خواستید در صورتیکه مسئله تعیین رتبه قضاات در قانون بودجه باید باشد

خوب این پیشنهاد را کردیم که چهل و پنج تومان ندهند آنوقت چه خواهد شد

یاسائی - این راجع به قسمت بعد است **تدین** - ایشان باصل مطلب توجه نفرموده اند

مقصود از این کلمه قانونی یعنی رتبه که بر طبق قانون استخدام تشخیص داده می شود

نایب رئیس - چون عده برای رای کافی نیست تنفس داده میشود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و فاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

نایب رئیس - آقای عدل الملک فرمایشی داشتید؟

عدل الملک - بلی بنده در دستور عرض دارم

چون تجربه شده است که در آخر جلسه موفق نمیشویم در تفسیر جلسات از عصر صبح مذاکره کنیم لذا تقاضا میکنم پیشنهاد بنده را قرائت کنند تا تکلیف آن معلوم شود

نایب رئیس - شاهزاده محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - چون دستور مبین شده است وقت چند نفر حرف زدند و تنفس داده شد بعقیده بنده بعد از تنفس هم باید بقیه دستور را تعقیب کرد که پس از اتمام دستور پیشنهاد آقای عدل الملک مطرح بشود و بنده خود هم یکی از موافقین پیشنهاد ایشان هستم

نایب رئیس - تعیین تکلیف دستور بامجلس است و هر وقت بخواهند تغییر داده شود يك نفر میتواند پیشنهاد کند و ایشان تقاضا میکنند قبل از دستور در پیشنهادی که کرده اند مذاکره شود

حاج عز الملک - چون شاهزاده مخالف بودند باید رای گرفته شود

نایب رئیس - رای میگیریم به مذاکره در پیشنهاد آقای عدل الملک - (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد پیشنهاد آقای عدل الملک قرائت میشود

(بشرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که جلسات چهار گانه مجلس از عصر صبح تغییر داده شود یعنی هفته چهار مرتبه شنبه یکشنبه و دوشنبه پنجشنبه سه ساعت قبل از ظهر

نایب رئیس - آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک - نظری که در تفسیر جلسات از طرف مخالفین صبح گرفته شد برای این بود که اگر جلسات عصر باشد بیشتر کلامی شود

يك پیشنهادی هم شد که بیکروز افزوده شود و آن يك روزی که افزوده شد البته مؤثر است یعنی آن ایامی که باید کار کرده است زیادتر می شود ولی اینکه گفته شد عصر جلسه تشکیل شود این مسئله از چند جهت تولید

اشکال میکند

مجلس بلکه يك شاخه تناور در مجلس هستند دچار اشکال شده اند

برای این که آنها ساعت دونیم و سه از شب رفته از اینجا مستخفص شوند و اخبارشان را حاضر کنند و بمطالع بدهند و آنها مهیا و حاضر کنند خیلی طول میکشد و این مسأله برای آنها دشوار و سخت است این از حیث زحمت مطبوعات از طرفی دیگر مستخدمین مجلس در زحمت هستند گرچه آقای ارباب می فرمودند ترتیبات اداره من در حال طوری است که هر قدر جلسه بطول انجامد مستخدمین مجلس مشغول انجام وظائف خودشان خواهند بود

ولی بالاخره این از نظر حسن اداره است ولی از نقطه نظر ترجمه مستخدمین باید فکری کرد که آنها صبح زود می آیند و چون بعد از ماهم مدتی باید مشغول جمع آوری کارها و امورات خود باشند آن وقت ساعت پنج یا شش از شب گذشته باید بروند و در آخر روز و از ترنیز آنهم در این باران شدید

باز هم عرض میکنم اینکه عصرها را پیش نهاد کردم بر گردد صبح برای این بود که خود آقایان و کلاهم در زحمتند زیرا و کلاهم از دونه خارج نبودند یا وسائط نقلیه داشتند یا نداشتند

آنها می که نداشتند از نقطه نظر باران و گل در زحمت بودند و آنها می که داشتند مستخدمینشان که روی درشکه می نشینند از حیث باران و سردی زحمت خواهند بود

اگر از این زحمت باز منفعتی حاصل میشد بنده هم عرض میکردم این مشقت ها را باید تحمل کرد و بالاخره بصبر قرارداد ولی ما اینجا می نشینیم و گاهی هم ابرام می کنیم بدوام جلسه عصر و آن وقت می بینیم و طبعاً مجلس از اکثریت می افتد بنابراین بنده در نظر دارم بنام مساعدت با آقایان و کلاهم مثلاً آقای آقا میرزا سید احمد بهجهانی که بنده مطلع هستم که منزل ایشان در وسط راه شمیران است و ایشان باید چهار از شب گذشته (وسائط نقلیه هم ندارند) بروند منزلشان

بنده يك چیز میخواهم عرض کنم و آن این است که گرازا دیده شده که مثلا در يك کاری يك امین مالیه یا در يك محکمه يك کسی سوء رفتاری کرده ولی قانون اداری خوب است و دال بر برهه ی قانون نیست آن يك میبشی است و ممکن است يك امین مالیه هر حکمی میخواهد بکند ولی قانون باید خوب باشد

سه ساعت بظهر آمدن مجلس خوب است ولی نیامدن در سه ساعت به مجلس و نشستن

و کار نکردن و دوام ندادن این دلیل نیست که صبح بد است

خیرا اگر صبح سه ساعت بظهر مانده بیاید اینجا بنشینند تا یک ساعت بعد از ظهر کار کنند هیچ محتاج بصبر نیستیم بالاخره بنده این پیشنهاد را کردم و قطع هم دارم در این چند جلسه آقایان امتحان فرموده اند که این ترتیب چقدر اسباب زحمت شده و موافقت باین پیشنهاد خواهند فرمود که اساساً جلسات صبح باشد

نایب رئیس - دو فقره پیشنهاد دیگر هم رسیده آنها هم قرائت میشود بعد رای میگیریم

(پیشنهاد آقای حاج میرزا - عبدالوهاب بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم جلسات علنی مجلس روزهای شنبه و پنجشنبه صبحها سه ساعت قبل از ظهر و يك شنبه و سه شنبه عصرها سه ساعت بعد از ظهر تشکیل شود

حاج میرزا عبدالوهاب - اجازه می فرمائید توضیح عرض کنم

نایب رئیس - پیشنهاد دیگری هم از طرف آقای سر کشیک زاده رسیده قرائت میشود به توضیح بفرمائید

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم روزهای چهار شنبه هم طرف صبح جلسه مجلس علنی منعقد شود

نایب رئیس - آقای حاج میرزا مهدی الوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض میکنم از طرفین يك ادله ذکر میشود بعضی میکنند صبح خوب است و بعضی پیشنهاد می گویند عصر خوب است و بنده پیشنهادی کردم که جمع بین این نظر بانات است و چون آقای معوم الملک در یکی از جلسات فرمودند چون امشب شب جمعه است جلسه زودتر ختم شود بنده برای تأمین نظریه ایشان هم پنجشنبه راهم پیشنهاد کردم صبح باشد که عذر شب جمعه هم از بین برود و این ترتیب گمان میکنم جمع بین نظریه همه آقایان باشد و عقیده ام این است برای کار کردن هم بهتر است و ملاحظه میل آقایان هم که بصبح مایل نیستند میشود

بنابراین اینطور پیشنهاد کردم که دو جلسه صبح و دو جلسه عصر باشد و این يك پیش نهاد جامعی است

نایب رئیس - آقای عماد السلطنه (اجازه)

عماد السلطنه - بنده با پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب و آقای سر کشیک زاده هر دو مخالفم و پیشنهاد آقای عدل الملک موافقم و علت مخالفت این است والا آقایان بدین فکر کنند که یکساعت چه می گویند و آن در یک روز چه میگویند باید ببینند

حرف حسابی چیست .
آن را ببینید جنابعالی البته خودتان امتحان فرموده‌اید در این چند جلسه که بشب افتاده گلو شلو بازاران چقدر اسباب زحمت است و دلائلی را که آقای عدل‌الملک فرمودند برای بنده چیزی باقی نگذاشته که عرض کنم و گمان میکنم نشود در دلائل ایشان اعتراض کرد .
اماراجع ببینهاد آقای سرکشیک زاده که فرمودند چهارشنبه ها هم جلسه باشد گمان میکنم صحیح نباشد برای اینکه پس کیسیون ها چه وقت کساز کنند ؟
البته باید کمیسیون‌ها کار برای دستور مجلس حاضر کنند و اگر غیر از این باشد کمیسیونها نمیتوانند کار کنند .
نایب رئیس - آقای سرکشیک زاده (اجازه)
سرکشیک زاده - بنظر بنده قبل از اینکه يك نفر نماینده در پیشنهاد خود توضیح بدهد و دفاع از آن بشود رد آن پیشنهاد فواصل قبل از جناب است . و پیش نهاد بنده هم در زمینه پیشنهاد آقای عدل‌الملک است زیرا پیشنهاد ایشان برای صبح است و بنده پیشنهاد صبح کرده‌ام لهذا تقاضا میکنم بان پیشنهاد رای بگیرند اگر تصویب شد پیشنهاد بنده بعد از آن رای گرفته شود .
نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)
تدین - بنده هم مخالفم و هم موافق (خنده نماینده گان) ولی این مخالفت و موافقت بنده از روی مطالعه است دو پیشنهاد شده با یکی مخالفم و با دیگری موافق با پیشنهاد آقای عدل‌الملک کاملا موافقم زیرا هر عملی که انسان میکند مانع مصالح و مقتضیات وقت است
آقاسید یعقوب - دو موافق نیستند صحبت کند
تدین - اجازه بدهید من هیچوقت از نظامنامه خارج نمیشوم
آقاسید یعقوب - آقای عمارالسلطنه موافق بودند .
نایب رئیس - در پیشنهاد آقای سرکشیک زاده است .
تدین - هیچ دلیلی بالاتر از این کل ما و باطلاهای توی کوچه نیست منخیال میکنم مثل سالهای دیگر شاید يك برقی بیاید و بالاخره زمینها يك یخی بنند و دیگر حوادث جوی اینطور اقتضا کرده که ده دوازده روز است متوالیا باران آمده است .
باین باطلاها و گل و شلها چه موچی هست برای شب ؟
قطع نظر از دیگران چرا ما خودمان را از حمت بیندازیم ؟
در صورتی که يك وقت بهتری که روز است داریم و می شود از يك گوشه کوچه رفت چه باعث است که ما آنرا ترک کنیم و شب بینه‌ازیم .

بنابراین بنده موافق هستم که جلسات عصر صبح بقتد اهم از اینکه آن اشخاص وسائل نقلیه داشته باشند یا نداشته باشند آنکه ندارد از برای خودش اسباب زحمت است و آنکه دارد برای دیگران مخصوصاً این اتومبیلها معلوم است با گل و شل چه میکنند .
بعبارین و اما پیشنهاد ایشان که خواستند يك اصلی را رعایت کنند (که الجمع مهما امکان اولی) اولاً در جمع بین صبح و عصر در روز و روز آقا باما موافقت تقاضا میکنم در روز دیگرش هم بماند دلائل که عرض شد در موضوع صبح باما موافقت کنند
نایب رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)
آقاسید یعقوب - اولاً از آقایان استدعا میکنم توجه فرمایند در آن مرضی که بنده کردم که دو نفر موافق نمی توانند حرف بزنند .
آقای تدین و آقای عمارالسلطنه هر دو موافق بودند و صحبت کردند بنده میخواهم عرض کنم يك اصل بارمانی که از دوره چهارم تا کنون معمول بوده بایستی محفوظ بماند و امام مسئله دیگر بنده این است که آن دلائلی که آقای عدل‌الملک بیان کردند و فرمایشاتی که آقای تدین کردند بنده در آنها هیچ عرض نمیکند .
فقط استدعا میکنم وقتی که آقایان وارد مجلس می شوند با اصطلاح آقای سردار معظم که در دوره چهارم فرمودند نمک مطبوعات و معارف را داخل نکنند که مطبوعات يك شاخه عظیمی است از مجلس بنده عرض میکنم مطبوعات کاملاً تابع مجلس هستند و این منت را کردن آنها نگذارید که آنها را از خودتان خوشحال کنید در تمام مسائل که ما داخل می شویم حتی در وضع قانون هم که میکنیم يك تعلق و چاپلوسی هم باید باشد ؟
(همه بین نماینده گان)
آقاسید یعقوب - آقایان میخواهم عرض کنم ما آمده‌ایم رای میدهم و قانون میگذرانیم آرا مان مؤثر در مقدرات مملکت است .
مؤثر در سیاست مملکت است .
سیاست مملکت و مقدرات مملکت در دست ما است آخر بقدر این ناسخ و منسوخهای سابق ما باید در آراء خودمان دوام داشته باشیم .
پررور بود که با اکثریت تام رای دادند که چون صبح تا جلسه تشکیل شود نزد يك ظهر می شود و آقایان نمیرسند مسائل را تمام کنند و قوانین بحال خودش باقی میماند با يك ذوق و شوقی رای دادند که جلسات مجلس عصر باشد چون طویل‌الذیل است و هر روز هیئت وزراء هم می توانند حاضر شوند و با يك ادله که همه فکر کردند آمدند اینطور رای دادند و هنوز از تصویب آن وقتی نگذاشته و هنوز در اطلاق تنفس هم نگذاشته اند که

میخواهم رای بدهیم تغییر کند !!
ما باید تصمیماتمان محکم باشد برای اینکه ما میخواهیم در مقدرات مملکت رای بدهیم .
ممکن است يك دلائل قطعی در واقع نقض کند رای ما را ولی نه اینکه ميل به تقفن و تفریح باشد .
در این کلمه خودم را عرض میکنم بكسی جسارت نمی کنم بنده خودم را مستخدم و خادم این ملك و مملکت می دانم . حقوق میگیرم و باید خدمت کنم دوسیه خدمات بنده در مجلس و در کمیسیونهاست و هیچوقت نشده است که ظفره بزنم حتی در موقع ناخوشی هم حاضر بوده‌ام و حلالاً هم حاضر هستم که کار میکنم .
فقط مقصودم این است که يك تذکره به آقایان بدهم که لااقل خوب بود بگذارند بيکی دوام بگذرد .
پررور زاری دادیم عصر باشد .
خوبست مجلس را تقفن و تفریح فرض نکنند و تا يك دليل اساسی پیدا نکنند برای نقض رایشان آراء خودشان را تغییر ندهند بهر صورت اگر ما باین زودی تقض کنیم رای خود را چطور میخواهیم وزیر اعراض شول خودمان قرار دهیم بالاخره با قضاوت با وجدان و انصاف خودتان است
(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)
عدل‌الملک - بنده اخبار نظام نامه دارم .
تدین - ماده صد و یازده نظامنامه را بخوانند .
نایب رئیس - آقای عدل‌الملک اخطار تان را فرمایند
عدل‌الملک - ایشان که از استقامت و متانت صحبت فرمودند سابقه ایشان در مجلس نشان میدهد که ایشان باین اصل اهمیت می دهند یا نه ؟
بنده در آن قسمت وارد نمی شوم که تلون رای واراده در کی است چه اشخاصی کدام طرف را ملاحظه میکند اما اینکه میفرمایند موجهی در تغییر رای نیست بنده آن حرف هائی که زدم موجب بود و موجب قوی هم بود معارف پروری و نمک پاشیدن هم نبود اگر بنظر ایشان قدر و قیمتی ندارد در نظر بنده خیلی ذی قدر است
آقاسید یعقوب - بنده اینطور نگفتم هو نکنید
سرکشیک زاده - خفه شو .
(صدای زنگ نایب رئیس)
عدل‌الملک - ایشان بهر کسی می خواهند هزل و استعمار میگویند و بنده یاد آوری می کنم که حضرتعالی مکلفید جلو گیری کنید و من چاپلوس و متعلق نیستم .
(همه بین نماینده گان)
نایب رئیس - رای میگیرم پیشنهاد آقای عدل‌الملک آقایانی که موافقت قیام

فرمایند .
(غالب نماینده گان قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد رای میگیرم پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب **یک نفر از نماینده گان** - رای لازم نیست مسترد می کنند .
نایب رئیس - آقای سرکشیک زاده (اجازه)
سرکشیک زاده - بنده بيکی از مخالفین جلسات شب و دو وعظنش هم همان مذاکراتی بود که در جلسات قبل شد . . .
نایب رئیس - توضیح در پیشنهاد خودتان دارید .
سرکشیک زاده - آن توضیح نبود حالا میخواهم توضیح بدهم که چرا پیشنهاد کردم يك جلسه اضافه شود و دليل آن مذاکراتی بود که در سابق شد که مسائل و کارها متراکم شده و مجلس کمتر کار میکند حالا که يك مقتضیاتی پیش آمده که از عصر جلسات صبح بیفتد
بنده پیشنهاد کردم چهارشنبه هم جلسه شود و وعظنش هم این است که ماهر روز مجلس بیایم و در کمیسیونها هم حضور بفرمایم و باین ترتیب خوبست در هفته پنجروز مقرر شود تا کارهای متراکم بگذرد .
نایب رئیس - رای میگیرم پیشنهاد آقای سرکشیک زاده که يك روز اضافه شود آقایانی که موافقت قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب نشد پیشنهادهای ماده چهارده مطرح است آقای حاج میرزا عبدالوهاب .
(اجازه)
حاج میرزا عبدالوهاب - بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود .
نایب رئیس - پیشنهاد کتبی فرمایند و فرستید .
در پیشنهاد آقای یاسائی ذیل از تنفس مذاکرات شد و باید رای بگیریم
یاسائی - چون احتمال می رود که اصل ماده رد شود بنابراین پیشنهاد خود را مسترد میدارم .
نایب رئیس - پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب قرائت میشود .
(بشرح ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود
نایب رئیس - رای میگیرم آقایانی که با ختم جلسه موافقت قیام فرمایند (عده قلیلی یرخواستند)
نایب رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای کازرونی قرائت می شود :
(مضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم که قسمت اول از ماده ۱۴ اینطور اصلاح شود :
۱ - مقرری رتبه اول مستخدمین کشوری بیست و شش تومان با اضافه حد

اکثر اختصاصاً برای مستخدمین رتبه اول و دوم و مقرری رتبه اول قضات عدلیه سی و شش تومان .
نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
کازرونی - البته نظر باینکه این ماده مخصوصاً فوق العاده مهم است آقایان مرا مجاز خواهند فرمود که يك توضیحاتی که در خود این ماده است مشروحاً بیان کنم .
نایب رئیس - بطور اختصار بفرمایند کازرونی - بلی اختصار و عدم اختصار يك امری است نسبی نه این که کلمات مبینی نوشته شده باشد که چه میزان حد اختصار است و چه میزان غیر اختصار .
مثلاً اگر شصت کلمه شد اختصار است و اگر هفتاد کلمه شد غیر اختصار و بالاخره بطور مختصر باشد که چیر فهمیده شود آقایان تصدیق دارند که بقدری بر مردم مملکت تعمیل شده و می شود و بطور های مختلفی از مردم پول گرفته و مطالبه می کنند .
اهم از این که مطابقت با قانون بکند یا نکند که دیگر تاب مقاومت را ندارند و دیگر نمی شود چیزی بر این مردم تحمیل کرد و از طرق مختلفه پول گرفته اند و حالا هم می گیرند .
بالاخره آنچه ممکن بود از مردم بگیرند گرفته اند و آن همین مبلغی است که در بودجه پیش نهاد شده دیگر ممکن نیست و این پولی که مردم بدهند آقایان تصدیق دارند که قسمت عمده اش باید خرج اصلاحات مملکت شود از قبیل شوسه کردن راه و استخراج معادن و کشیدن راه آهن
حالا بنده راه آهن نمی خواهم لااقل يك وسائل نقلیه که تا اندازه بتواند مملکت رفع احتیاجات خودش را بکند .
لازمست و يك مبلغی باید برای اینکار ها در نظر بگیرند و بعد از آنکه مبلغی را برای اصلاح مملکت در نظر گرفته باید آنچه باقی میماند تقسیم کنند بین مستخدمین کل و جزء
لیکن نیایستی يك طوری بودجه ما تشکیل یابد که اولاً بکلی محروم از این اصلاحات باشد و این پولی که میدهند هیچ چیزش صرف اصلاحات مملکتی نشود .
يك بودجه معارف داریم صد و چهل هزار تومان برای ولایات می رود و یکصد و شصت و شش هزار تومان باقی مریوط با اصلاح مملکتی نیست .
اینجا این پولی که با اعضای ادارات و وزارتخانه ها تقسیم میکنند می گویند مستخدمین مظلوم هستند .
اولاً صحبت در ظالم و مظلوم نیست

اما در تقسیم يك ظالمی پیدا میشود و يك مظلومی .
البته اگر بنا باشد مستخدمین مظلوم باشند باید بگوئیم پول دهندگان ظالمند .
اگر آنها هم مظلومند و اینها هم مظلوم پس ظالم کیست؟ و بنده می دانم در مرقم تقسیم يك ظالم و مظلوم پیدا می شود .
فرض اینست که ظالم و مظلوم در موقع تقسیم پول پیدا میشود .
این پولی که از مردم بدبخت گرفته میشود در صورتی که بکلی از همه چیز محرومند
بنده ميل دارم طوری تقسیم شود که بالاخره در روز آخر ما محتاج باینکه يك استقراری کنیم و مملکت را رهن نگذاریم نشویم منبغی ندارد ما همه ساله می بینیم مقداری فرض می کنند و کسر داریم .
چنانچه حالا هم صحبت استقراض در میان آمده موقعش حال اینست بنده عرض کنم از جمله موجباتی که پیش آمده و بنده این پیشنهاد را کردم اینست که میبینم يك تبعیضاتی دولت قائل شده است مثلاً برای بعضی از وزارتخانه ها سی و دو تومان حقوق ثابت معین کرده اند .
ولی بنده اطلاع دارم که برای وزارت پست و تلگراف حقوقشان را بیست تومان و پنج تومان بلکه کمتر معین کرده اند .
مثلاً اطلاع دارم که يك مستخدم ده ساله را در ولایات ماهی ده تومان میدهند در صورتی که ده دوازده سال خدمت کرده اند و سابقه دارند
بنده نمیدانم در صورتی که باید حقوق طبقه اول سی و دو تومان داده شود علت این که در مستخدمین پست و تلگراف تبعیض شده چیست ؟
علت اینکه يك نایب الحکومه در وزارت داخله ماهی پنجاه تومان . . .
نایب رئیس - آقای کازرونی مختصر کنید .
کازرونی - چشم -
خلاصه عرض بنده این است این مبلغی که بنده پیشنهاد کردم که درجه اول بیست و شش تومان معین شود برای این که نکونند حقوقشان کم است عرض میکنم حد اکثر آنها بدهند این تقریباً میشود سی و دو تومان یا سی و يك تومان بعد از درجه اول چهل تومان و پنجاه تومان رویا می رود اگر چنانچه کسر میشود
از آن درجه اول که حقوقش کمتر است کسر نشده ولی از کسانی کسر میشود که در واقع میتوانند با حقوقی که دارند ادامه بزند گانی خود بدهند و همچنین راجع بقضات .
مخبر - بنده خیلی متأسفم که همیشه

تصادف میکنم با مسائل خارج از منطقی که آقای کازرونی میفرمایند .
اینجا آمدند يك قسمت الفاطی در این پشت تریبون فرمودند که بنده نمیفهمم اینها چه مربوط بود باشل واحد اقل حقوقات یکدفعه فرمودند از تمام پولهای که گرفته میشود
صد و چهل هزار تومان بصرف معارف ولایات میرسد و بقیه خرج اصلاحات نمیشود معلوم نبود اصلاحاتی که در نظر گرفته اند چیست ؟
یعنی صد و چهل هزار تومانی که خرج معارف میشود شما آن را اصلاحات میدانید و بقیه را اصلاحات میدانید ؟
این ادارتی که هست از قبیل عدلیه ، مالیه ، خارجه و قوا و ما همه ساله که خودتان از طرق و شوارع فرمودید خرج اینها را اصلاح میدانید ؟
در صورتیکه سایر آقایان آن چیزهایی را که شما اسمش را اصلاحات میگذارید آنها آن را اصلاحات میدانند و اینها را اصلاحات میدانند يك قسمت فرمودند مظلوم مستخدم است ظالم پول دهنده است و یا بالاخره ظالم کیست مظلوم کیست اینجا ظالم و مظلومی در بین نبود هیچکس ظالم نیست صحبت ظالم در بین نبود باز يك قسمت وارد شدند در اینکه در وزارتخانه ها تبعیض می شود .
در يك وزارتخانه ثابت را مثلاً بیست تومان میدهند .
دیگر که خراج سایر وزارتخانه ها دارند مثلاً در خود وزارت مالیه ثابت های محلی هست که شانزده هفده تومان بآنها میدهند این تعیین حد اقل که معین کرده اند سی و دو تومان -
تومان - حتم نیست که هر تباتی سی و دو تومان بگیرد خیلی جاها ثابت محلی راه افهده تومان و شانزده تومان بیست تومان و بیست و پنج تومان حقوق میدهند و این بودجه کنجایش این را ندارد که شماز بنا در خودتان گرفته یا آن سر مملکت تمام تباتها راسی و دو تومان بدهند و اما يك چیز دیگری آخر فرمودند که بنده نفهمیدم فرمودند که بیست و شش تومان بدهند ولی در قسمت بالا چندان تفاوت نخواهد کرد جنابعالی که خودتان را حامی ضعف مرفی فرموده اید چطور میفرمایند يك تبات بایست و شش تومان حقوق زند گانی کند ؟ یا يك قاضی که از او صحبت عمل میخواهد با بیست و هشت تومان چطور میتواند صحت عمل بخرج دهد و زند گانی خودش را با این مبلغ اداره کند ؟
آن وقت برای این مبلغ حداکثر قائل میشوید و میگوئید چهار تومان و پنج تومان حداکثر آن میشود بنده نمیدانم در کجای قانون استخدام این حداکثر را معین کرده اند
صد و بیست و دو هزار تومان شما کسر دارید .
آیا برای این کسر باید دست استقراض را دراز کرد بیش بانک ها و بگوئیم با فرض بدهید با اینکه يك مالیات جدیدی وضع کنیم و تعمیل کنیم بر ملت و مملکت ؟
و بر حسب اتفاق اگر صد و بیست و دو هزار تومان کسر شود از مالیه کسر نمی

همچو حد اکثری در هیچ کجای این قانون وجود ندارد .
کازرونی - بنده توضیح دارم .
نایب رئیس - توضیح نظامنامه دارید ؟
کازرونی - بلی اول يك نسبتی آقا به بنده دادند که آن نسبت خلاف منطق بود چون ایشان همیشه در جواب اظهارات آقایان نمایندگان تعجب میکنند و اظهارات آقایان بنظرشان خیلی بی منطق است .
توضیحاتی که بنده دارم این است که این پولی که گرفته میشود خرج اصلاحات نمیشود . فقط صد و چهل هزار تومان مثلاً برای معارف ولایات تشخیص میدهند بنده عرض کردم حالا که میخواهید این مبلغ را با جراه وزارتخانه ها بدهید طوری تقسیم کنید که مملکت مقروض نشود این حرف بنظر آقا برخلاف منطق می آید .
من نمیفهم نظر آقا چگونه است و چگونه باید حرف زد که آقا کمتر تعجب کنند و خلاف منطق را ملتفت شوند بنده پیش از این چیزی عرض نمیکند .
مخبر - الان مجلس تصدیق خواهد کرد که بنده بی منطق صحبت کرده‌ام یا شما .
نایب رئیس - رای میگیرم پیشنهاد آقای کازرونی آقایانی که موافقت قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)
نایب رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای شیخ محمد علی تهرانی راجع بدستور است قرائت میشود
(باین عبارت قرائت شد)
این بنده پیشنهاد مینمایم که رای بدو راجع ببقیه فقرات جمع از ماده اول گرفته شود و بعد بققرات ماده ۱۴
نایب رئیس - آقای تهرانی (اجازه)
آقا شیخ محمد علی تهرانی - عرض میکنم که بودجه عبارت از جمع و خرج مملکت است دو رقم از افلام جمع صد و بیست و دو هزار تومان است که بيکی از آن عبارتست از نیم عشر اوقاف و دیگر عبارات از خانواری است بنده هنوز مردم که آيا مجلس برای این دو رقم و این دو فقره اثباتاً یا بنیافرای خواهند داد یا نه ؟ فرضاً اگر آمد رای ردداد باین اشلی که آقایان معین کرده اند
صد و بیست و دو هزار تومان شما کسر دارید .
آیا برای این کسر باید دست استقراض را دراز کرد بیش بانک ها و بگوئیم با فرض بدهید با اینکه يك مالیات جدیدی وضع کنیم و تعمیل کنیم بر ملت و مملکت ؟
و بر حسب اتفاق اگر صد و بیست و دو هزار تومان کسر شود از مالیه کسر نمی

شود فقط وزارت معارف . عدلیه . داخله و فوائد عامه توی سرش میخورد و این مبلغ از آنها کسر میشود ار این جهت است که بنده تقاضا میکنم اول ماده عایدات مطرح شود که بینیم جمع و خرج مسادی است یا نه ؟ اگر مطابق با خرج می شود اصل را باید تغییر داد .

برای خاطر اینکه هشتاد هزار تومان از بودجه عدلیه کسر شده و صد و چهل و هفت نفر امروز بیچاره و بدبخت و گرفتارند و اگر پس فردا هم این کسر شد این مبلغ را باز از عدلیه و معارف و سایر وزارت خانه ها کسر می کنند و از مالیه بهیچوجه من الوجوه کسر نمی شود پس بنده تقاضا می کنم ابتدا تکلیف آن دو فقره را معین کنند یعنی رأی در آن گرفته بشود اگر کسر آمد کسر اصل معین شود و اگر کسر نیامد باین ترتیب رأی بدهند

نایب رئیس - آقای مشار اعظم مخالفید ؟

مشار اعظم - بلی

نایب رئیس - بفرمائید

یک نفر از نمایندگان - عضو کمیسیون نیستند .

نایب رئیس - این راجع بدستور است .

مشار اعظم - علت مخالفت بنده این است که ما از روز قبل و امروز وارد بحث ماده چهاردهم هستیم و حالا میدانیم باچه سلیقه و عقیده میتوانیم رأی بدهیم و مطالب را باهم مخلوط کردن اسباب اختلال حواس و عدم تشخیص موضوع است .

مادر اینجا آمده ایم که معلوم کنیم نظریه مجلس شورای ملی را در این ماده که نظر موافق دارد یا مخالف معلوم شود و حالا معلوم نیست که تکلیف این ماده چه شده

بعلاوه اگر آقای طهرانی مقصودش از این پیشنهاد این است که نمیخواهند این دو فقره یعنی خانواری و نیمه مشراوقاف تکلیفش معلوم بشود بنده گمان میکنم حالا موقعش نباشد بنا براین بنده گمان میکنم چنانچه این موضوع بماند برای جلسه دیگر بهتر باشد شاید اکثر نمایندگان مخالف یا با هر دو با یکی از آنها موافق شوند که در عایدات نکشی بیدان شود

این است که بنده صلاح نمیدانم عجااا آن دو فقره مطرح شود

نایب رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای طهرانی

آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد . دو فقره پیشنهاد راجع بختم جلسه رسیده است قرائت میشود .

پیشنهاد آقای وکیل الملک و آقای

مقوم الملک بشرح ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود

نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - توضیح بدهند بعد بنده عرض میکنم

تدین نایب - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - اینجا نیم ساعت قبل

پیشنهاد ختم جلسه شد و آقایان رأی ندادند بنده چون میدانم این ماده امشب تصویب نخواهد شد .

شاید هم بشود بنده نمیدانم شاید تصویب شود یا نشود

بهر صورت آقایان چون خسته شده اند و شاید هم خیلی طول بکشد و پیشنهادهای زیادی هم هست و بالاخره شاید در دقیقه دیگر یکی یکی از آقایان بیرون بروند و عده برای رأی و مذاکره کافی نباشد لهذا بنده پیشنهاد کردم جلسه ختم شود .

نایب رئیس - مخالف کیست ؟

بعضی از نمایندگان - رأی بگیرد

نایب رئیس - رأی میگیریم بختم جلسه آقایان موافقین قیام فرمایند

(جمعی قیام نمودند)

نایب رئیس - بلانکلیف ماند مجدداً رأی میگیریم - آقایانی که موافقت قیام فرمایند .

(غالب نمایندگان برخواستند)

نایب رئیس تصویب شد . جلسه آتی پنجشنبه سه ساعت قبل از ظهر بقیه مذاکرات در بودجه .

بعضی از نمایندگان - صحیح است .

(مجلس سه ساعت و ربع کم از شب گذشته ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - سهام السلطان بیات

منشی علی - اقبال الممالک

منشی - معظم السلطان

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه چهارم برج جدی ۱۳۰۳

مطابق بیست هشتم شهر جمادی الاولی ۱۳۴۳

مجلس دوساعت و یک ربع قبل از ظهر بریاست آقای موتن الملک تشکیل

گردید

صورت مجلس یوم سه شنبه دوم جدی را آقای اقبال الممالک قرائت نمود .

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده بعد از تصویب صورت جلسه عرض دارم

رئیس آقای حاشری زاده (اجازه)